

درباره وحدت

سازش کاری و خیانت بورژوازی لیبرال نسبت به انقلاب، خنثی‌سازی، ناپسگیری و توهانات خرد بورژوازی افشار میانی جامعه، فشار فزاینده و هیستریک ضد کمونیستی و انحمار طبانه بخشهای زیادی از خرده- بورژوازی و مهمتر از همه ادامه بقای طبقه و حاکمیت امپریالیسم و جناح های وابسته به آن از یک سو و وجود شرایط محمول و انقلابی جامعه، رشد بی- سابقه جنبش کارگری و در عین حال پاشیدن بودن سطح آگاهی کارگران، ضعف و تشتت سیاسی و سازمانی نیروهای م.ل. و عدم ارتباط آنان با جنبش طبقه کارگر از سوی دیگر، مجموعه میتواند دلا شل کانی و قانع کننده‌ای برای ضرورت هرچه بیشتر ایجاد حزب کمونیست ایران و در همین رابطه وحدت نیروهای مارکسیستی- لنینیستی بوده باشد.

بدون تردید، امروز کمتر کسی را میتوان یافت که روی این مسئله تاکید نداشته باشد و از همین روستادلی نیست که تقریبا تمامی گروههای سیاسی وابسته به جنبش کمونیستی، بر ضرورت وحدت کمونیستها و ایجاد ستاد واحد پرولتاریا تاکید میکنند و بسیاری از آنها حتی گامهای نیز در این راه برداشته و بر میدارند.

اما روشن است که شامل این نیروها برای وحدت، تاریخی که بر نامه و نقشه‌ای جهت تحقق این امر در دست نباشد و تا زمانی که این بر نامه و نقشه مشخص بر درگام اولی و مارکسیستی- لنینیستی از دیدگاه وحدت و پیرویه تحقق آن نباشد، این شامل و این خواست، علیرغم خوب بودن و قابل تأیید بودنش، در همان سطح تزلزل و آرزوهای باقی خواهد ماند و با دور پیشرانهای نسبی و لایه، بلافاصله به عقب نشینی و پس رفتن می منجر خواهد گردید که نه بنفع جنبش کمونیستی و وحدت و اعتبار آن و نه بنفع جنبش خود ایت و در نهایت، آنچه که هرگز و مد البته بگذرد منبسط، امر وحدت خواهد بود.

بنابراین آنچه را که باید در اینجا و منبعد چه از سوی ما و چه از سوی دیگر نیروهای م.ل تکیه شود، نه تاکید صرف بر روی ضرورت وحدت جنبش کمونیستی، بلکه اساسا دستیابی به آن دیدگاه و نقشه و بر نامه ایست که بتواند بنحوی اولی و به بهر در ترین شکلی، بر این ضرورت پاسخ معاددهد و ما در ابتدا و در این شماره میگوئیم شما دیدگاهها و نظرات مختلفی را که تاکنون از سوی برخی از گروهها و تشکلهای سیاسی م.ل مطرح شده، مورد نقد و بررسی قرار داده و آنچه در شمار بعد دیدگاه و پلاتفرم خود مان را درباره وحدت جنبش کمونیستی ارائه دهیم.

★ ★ ★

ایجاد حزب، وظیفه مرکزی و محوری کمونیستها و تشکیل میدهد، حزب به مثابه عالیهترین سازمان و شکل سیاسی طبقه کارگر، در حقیقت بیان تشکلهای و حامل آئینز سوسیالیسم علمی با جنبش خود بخودی طبقه کارگر است که بوسیله نیروهای آگاه کمونیستی بدون طبقه حمل میشود.

در اینجا نیز جای تردید نیست که استحکام سیاسی- ایدئولوژیک هر سازمان و گروه کمونیستی، بطور اولی در جریان شرکت در پراشیک اجتماعی و با لایسی شرکت در مبارزه طبقه کارگر صورت میگیرد و هرگونه مبارزه ایدئولوژیک نیز که میان نیروها و تشکلهای م.ل.، حول نقطه نظرات سیاسی- ایدئولوژیک و در خدمت وحدت سازمانی آنها جریان دارد، میبایست بر اطمینان نیازهای جنبش طبقه کارگر و جنبش خودی، و نظارت داشته باشد.

تشکیل حزب و پیرویه وحدت سیاسی- ایدئولوژیک و تشکلهای نیروهای م.ل. از یک سو و ارتباطات سیاسی- تشکلهای و پیوند این نیروها با طبقه کارگر از سوی دیگر، امکان پذیر میشود، این حزب باید اول بخش غلبی از نیروهای م.ل. را که ایدئولوژی و سیاست پرولتاری را دارا هستند در سر گرفته و تا با این ایدئولوژی و سیاست بنحویتش و تشکلهای مستحکم، حداقل در میان بخشهای اساسی و مهم طبقه کارگر ریشه دوانده باشد.

از مجموعه احکام درست فوق به هیچ وجه نباید این نتیجه حاصل شود که وحدت نیروی کمونیستی،

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار

دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۸ بهار: ۱۵ ریال

- مبارزات و اعتصابات کارگری
- زند با دال مه استالین
- درباره مسئله ملی (۳)
- از مطبوعات متعهد بشنایی کنیم
- انقلاب ایران در برابر خلق قهرمان عمان
- مسئول است
- روز زندانیان سیاسی را گرامی بداریم
- فراخوان کنفرانس وحدت بمناسبت روز تقسیم فلسطین

تظاهرات اول ماه مه در شهرستانها

کارگران آبادانی پر پرچم خود نوشتند: سرمایه از خون و عرق کارگران درست شده است! آنها فریاد زدند: «امریکا، امریکا، امریکا»

- - روز اول ماه مه روز اعلام جنگ کارمندی سرمایه (دانشجویان مبارز)
- - مستحکم باد پیوند شما می نیروهای انقلابی با کارگران (دبیرستان فردوسی)
- - گرامی باد خاطره اول مه خونین، سملیفات همه روزه کارگران جهان (دبیرستان مدیقه رضائی)
- - عمل العمال الا جانب و استعمال العمال و الموظفین الا برانسن مهم (کارگران پروژهای ترجمه: اخراج کارگران خارجی و استخدام گران و کارمندان ایرانی بجای آنها)
- - گشایش کارخانه ها و پروژه های صنعتی و کشاوری نیمه تمام جهت اشغال بکار با سرمایه های ملی، توسط کارشناسان ایرانی
- - مید واقعی کارگران نابودی کامل سرمایه داران است.
- - دشمن کارگر سرمایه داران، سنگر کارگرندیکا بقیه در صفحه ۳

روز اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران و طرف کارگران پروژهای (فصلی) آبادان و حومه با شکوه ویژه ای برگزار شد. در این روز کارگران صبح به راهپیمایی پرداختند. در این راه پیمایی که پیش از ۵ هزار نفر از کارگران و آنها که به طبقه کارگر و آرمیان او دلبنند حرکت داشتند. عصر همان روز نیز مراسم باشکوهی را با کارگران در محل سندیکی کارگران پروژهای برگزار شد. در این مراسم نیز حدود ۱۰ هزار نفر شرکت داشتند. در زیر گزاشی از این روز با شکوه می آوریم:

راهپیمایی کارگران پروژهای در ساعت ۹ صبح در خیابان ۱۱ اردیبهشت از محل سندیکی کارگران پروژهای آغاز گردید. این راهپیمایی مورد استقبال بی نظیر مردم آزاده و مبارز آبادان قرار گرفت. در این راهپیمایی دانش آموزان، دانشجویان، فرهنگیان و کارکنان شرکت نفت نیز شرکت داشتند.

نوشته پلاکاردها و شعارهای گوناگونی که در این راه پیمایی داده میشد، مبارت بودند از:

تقسیم فلسطین:

فاجعه و نبرد

۱۵ مه (۲۵ اردیبهشت) در تاریخ خلق فلسطین و کلیه خلقهای خاورمیانه، روزی تلخ را با دآوری میکند. در چنین روزی به سال ۱۹۴۸ تقسیم فلسطین عملی شد و دولت تجارزگر، نژاد پرست و صهیونیست اسرائیل در میان طوفانی از خشم و نفرت خلقهای اینست به دشمنانشان، «د بیانی از خون و آتش اعلام موجودیت نمود». توطئه امپریالیستهای انگلیسی برای تأسیس پایگاهی جنتیکارانه در قلب منطقه زرخیز و استراتژیک خاورمیانه که از اواخر قرن ۱۹ طرح ریزی شده و در سال ۱۹۱۷ بصورت وند، «نیز خارجه وقت انگلیس» بنام بالفور) مبنی بر ایجاد یک وطن برای یهودیان صهیونیست تحقق یافته بود. پس از سالها فشار که بوسیله استعمارگران انگلیسی و هندستان مرتجع محلی آنها برای اخراج فلسطینی ها از سرزمین آنها و ایجاد پشان اعمال گشت، و سپس از کشتارهای بوسیله گروههای تروریست نظیرهاگانا (که سرکردگی آنرا منحیم بیگین بعهده داشت) علیه مردم بی پناه فلسطین در روستاها و شهرهای پناه شده، سرانجام در ۱۵ مه ۱۹۴۸، آن توطئه دیرین چون دمای سرطانی در جسم و جان ملت های عرب و خاورمیانه سرازیرد.

خلق ستمدیده فلسطین قربانی این جنایت کم نظیر شد و صدها هزارتن از مردم آن آواره کشورهای همسایه شدند. همسایه های که خود زیر بار نفوذ ایسم و ارتجاع و سرمایه داران حرص، پختی هندستان واقعی امپریالیسم کمرشان خم شده بود و همان توانمندان از این مهمانان آواره بطور عمده ناشی از طمع دیربرگیری انزیری کارآزاران آنها بود.

انزایل ۴۸ و اردوهای آوارگان در اردن و لبنان و سوریه بریاند و سیل فراریان و سرگشتگان فلسطینی به دنبال حداقل تأمین جانی و نان بخور و نمیر به همسایه دنیا و حتی به آمریکای لاتین سرازیر گشت. این شرایط مادی و فشارهای طاقت فرسای سیاسی و اجتماعی طبقه های انفجار را در درون این خلق پدید آورد. بتدریج مقاومتها و عملیات خود بخودی و پراکنده شکل گرفت و در آغاز سال ۱۹۶۵ به شیرو مبارزه مسلحانه آزادپیش انجامید. هم اکنون ۱۴ سال است که این خلق علیرغم تلاشهای سرکوب گرانه دشمن و استفاده های مکارانه «دوستان» میزبند و تضاد های طبقاتی جامعه فلسطینی و که رنگبهای خاص

خشم مقدس خلق!

پیکار دیگر شعله های خشم مقدس خلق در آنگاه های انقلاب تجلی یافت و جاسوسان و جنتیکاران دیگری را در کام خود فروکشید. ریه های و فروپایگانی که تا دیروز به جیاد و غارت و خیانت به توده های رنجیده، خلق مسخول بودند و با بختری فرعون فرمان میراندند، به چس نفرت انگیز و تهر آورده ریشگاه خلق به عجز و لایه در افتادند و برای ادامه زندگی ننگین خود به التماس و استغاثه دست یازیدند. و چه کور دل و احمقند اینان که می پندارند خلق و خون شهیدان و رنج و مشقت سالیان دراز دوران اختناق را به بین سادگی فراموش میکند و تسلیم تضرع و زاری این خائنین و جنتیکاران که در نشان تاراج بخون عزیزانشان آغشته شده، میشود. و چه کور دل ترواحق ترند این پان این سفگان که در فرب و اسرائیل جنجال راه میاندازند و برای «حق بشر» اشک از دیدگان کیف خود فروپیریزند و برای بشر های از الوغی چون الفانیسان، اظهار تاسف میکنند تا شاید که در اراده خلیق دایر بر مردم ساختن خائنین بخود و خلیلی ایجاد شود و مدافعین و عالمیستی برای آنان باز پس ماند، تا از نافع استثمارگران آنها پاسداری کنند.

اما زهی خیال باطل! خلق ماکرم به ت نابودی دشمنانش بسته است و در این راه هیچ نیروی اورانغ نتواند شد.

www.peykar.org

وارد اسنادیوم نختی شدند. در اسنادیوم مراسمی از طرف جمهوری اسلامی ترتیب داده شده بود. در هنگام ورود، زنان و دخترانی که در راهپیمایی کارگران پروژه‌ای شرکت کرده بودند، با بدین مناسبت متکوک و شیدن اعتراضات ارتجاعی از آمدن به اسنادیوم خودداری کرده و رفتند. کارگران با اردست دادن نیبر، زیادی از زنان وارد اسنادیوم شدند. در این حال آقای هاشمی رفسنجانی در حال سخنرانی بود... او پس از ورود کارگران پروژه‌ای به اسنادیوم سخنان را چنین ادامه داد: کارگرانی که منضم می‌شوند از اردشیرا هستند ی پول میگیرند و اوست که برای درم هشتن انقلاب پس من هارابرا می اندازد و... او کارگران منضم را به دغانلانی بودن متهم کرد...

باتحریراتی که سخنان رفسنجانی بعمل آورد عناصر مرتجع در جمع کارگران پروژه‌ای وارد شده و سعی درارهم یاشاندن نجمع آنها می کنند و به هرمنوایی سعی میکنند برخورد راه بیاندازند.

آقای آیت الله موسوی رئیس حزب جمهوری اسلامی آبادان به کارگران پروژه‌ای اجازه نمیدهد که قطعنامه از بلند گو خوانده شود. پس از اینکه قطعنامه حزب جمهوری اسلامی خوانده شد اعلام گردید که برنامه پایان یافته است (در این قطع نامه آمده بود که روز جهانی کارگر به روزی غیر از اول ماه مه تغییر یابد) نماینده کارگران پروژه‌ای پس از اینکه مانع خواندن قطعنامه‌ها می شوند سمت کارگران آمده، و با عادی را شروع بصحبت میکنند و علیرغم اینکه عناصر مرتجع با شما را "سندیکا گندش درآمد" و "درمادردنوست، بروگمشوگمنوست" و... مانع صحبتی او می شدند، این فرزند راستین خلق با تسلطی که داشت توانست قسمتی از حرفهایش را بر سرای کارگران برزند...

عناصر مرتجع که حدود ۱۰۰ نفر میشدند پیوسته دوراجتماع کارگران می‌فریدند و سعی می‌کردند شعار میدادند در این حال کارگران شروع به دادن شعار "سندیکا عیزه و هبستنا" میکنند و با پاکبوسی، عزم کارگری خود را به نمایش می‌گذارند. نمایندگان کارگران برای اینکه درگیری پیش نیاید و باین وسیله آتوئی دست ارتجاع نیفتد بهرمنوی کرده بود کارگران را به آترشتموت میکردند. برای همین کارگران به قدم بارگشت به سندیکا بطور دسته جمعی بصمت در فرب اسنادیوم برای افتادند اما گروه مدفنه تا آگاه و مرتجع (که احتمالا در بین آنها ساواکی نیز وجود داشت) بصرعت جلوی در دویده و مانع خروج کارگران شدند، درحالیکه پیوسته شعار "مرگ برکمونیست، الله اکبر و... می دادند!

درهمین حال این عناصر به عده‌ای از کارگران حمله کردند که ۹ نفر از آنان زخمی و مغرور شدند. کارگران بصمت در شرقی حرکت کردند و علیرغم اینکه همان گروه مدفنه مانع خروج میشوند، کارگران را در خارج دند اما این گروه مرتجع در مسیر راه با چوب و چاقو میان را بست، نمایندگان کارگران اعلام داشتند که کارگران متفرق شوند. کارگران متفرق شدند ولی عناصر مرتجع سعی از کارگران را به تنهایی گیر آورده و مغرور میکنند. این عناصر مرتجع حتی پلاکاردهایی که مکن آیت الله خمینی روی آن بود از دست کارگران میگردند و ادعای می کردند که چون شاکمونیست هستند نباید مکن آقای خمینی در دست شما باشد.

کارگران قهرمان با مخالفت‌های خود و با آگاهی تمام توطئه‌های خائنه یک مشت مرتجع را نقش بر آب کردند. همه کارگران از هاشمی رفسنجانی دل پری داشتند که چگونه دامن باین اختلافات زد و فرمت کافی را به عناصر مزدور و مرتجع داد تا با استفاده از تحریکات و آزادانه دست به خرابکاری بزنند...

شماره‌ها و پلاکاردهای دیگری که وجود داشت:

- شماره‌ها رهائی اخراج آمریکائی
- آمریکا آمریکا دشمن خلق مائی
- ارتجاع و امپریالیسم برای سرکوسی جنبش انقلابی و در مرکز آن برای سرکوسی جنبش کارگری ایران توطئه میکند، هتیارباخیم و این توطئه‌ها را درهم کوبیم.

- تأمیم الممانع التي تدارسن قبل الانجابنی
- کل المحافظات الاپرانیه. (ترجمه: (ملی کردن کارخانه‌ها شایکه بوسيله بیکانگان در اسانها اداره میشود)

- انشاء براجم بومیه عامه عن طریق التفاسیه
- المسالیه فی الراديو والتلفزيون.
- بقیه در صفحه بعد

است. صلاح کارگر اعتبار است (فردوسی)

- تنها قانونی مقدس است که حامی زحمتکشان باشد
- روز جهانی کارگر را گرامی می‌داریم، به امید

- یاد باد کارگران قهرمان جهان چیت.
- مستحکم باد پیوند دانش آموزها کارگر مبارز و قهرمان.

- اگر کارگر بیکار بیدان شود، سرمایه داران غصه دق میکند.

- شبکاری که آفت جان کارگراست باید لغو گردد
- اعتصابات و اجتماعات کارگری از حقوق بدین

- چون و چرا است.
- قانون کار باید از دل خواستهای کارگران به

- وجود آید.
- گرامی باد خاطره اول ماه مه خوین، سمیل

- شهادت کارگران جهان.
- سرکوب کارگران حمایت از سرمایه دار است.

- سرمایه او خون و مرق کارگران درستند.
- کلیه بدهی ها و تعدات مالی کارگران، دهان

- نان و زحمتکشان به بانکها و موسسات دولتی
- باید لغو شود.

- مبارزات کارگران تا محو کامل امپریالیسم
- سرمایه داری از خاک وطنان ادامه دارد.

- من کارگرم، کارگری دین من است، دنیا وطن
- من است، زحمت‌آزمین من است.

- اخراج کلیه سرمایه داران و کارشناسان خارجی
- و معادله اموال آنها بفتح کارگران.

- اینجمنها و شوراهای آبائنی و شهری گامی بزرگ
- به سوی دموکراسی است.

- آزادی معضایات و آزادی اعتراضات.
- کارگران برای ایجاد سندیکای مستقل متحدند.

- ای کارگر آخر تو هم آدم هستی
- نیکار نگسری خالق عالم هستی

- تشکیل شوراهای کارگری در هرواحد تولیدی و
- شورای مرکزی کارگری ضرورت فوری زمان است.

- داشتن سندیکا حق مسلم عالم هستی است.
- فرهنگ و نان باید به هرخانه راه یابد.

- برای تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه
- متحد مبارزه کنیم.

- درود بر طبقه کارگر پرچمدار رزم تاریخ ساز
- زحمتکشان ایران.

- پیش‌سوی تشکیلات واقعی کارگران.
- شماره عبارت بودند از:

- سندیکا عیزه و هبستنا (سندیکا عزت و شرف ماست)
- سندیکا موت الحریه (سندیکا مدای آزادی است)

- کارگر، کارگر زنده بکارتویم.
- کارگران اتحاد، اتحاد، رنجبران اتحاد، اتحاد

- آهمن باد مشت رنجبران، زنده باد اتحاد کارگران
- شیر زن کارگر توهم بیا بپویند.

- کارگران جهان متحد و متفق هم شوید.
- سندیکا سنگر زحمتکشان، کارفرما دشمن زحمتکشان

- سمیل هر انقلاب کارگر قهرمان است.
- کارگر، دهقان، زحمتکن، پیروز است.

- کارگر، بزرگر، اتحاد، اتحاد.
- چاره، رنجبران و عدت و تشکیلات است.

- کارگر، کارگر، نابود کن شتمگر.
- سرمایه داران با بوداوت کارگر پیروز است.

- مرق میریزه کارگر پول می بره شتمگر.
- کارگران ایران متحد و متفق هم شوید.

- فعلی، فعلی، سندیکای واقعی.
- سندیکا سنگر زحمتکشان، خمینی رهبر زحمتکشان

- استبداد نابود است، ارتجاع محکوم است.
- کارگر پیروز است، امپریالیسم نابود است.

- کارگر رگشاورز، ما من انقلاب است.
- کارمیکه کارگر سود میریزه شتمگر.

- سندیکای واقعی ایجاد باید گردد، کارفرمای
- اجنبی نابود باید گردد.

- تمام این شماره‌ها توسط خود کارگران تنظیم شده بود
- و بادر مسیر راه مشول شمار آنها را تنظیم میکرد. و این

- نشان دهنده شناخت عمیق آنها به اوضاع و احوال اجتماعی
- بود.

- بعد از ۱/۵ دقیقه راهپیمایی، کارگران بصرای
- برگذاشت کارگران شهید اول ماه مه یک دقیقه سگرت کردند

- ساعت ۵/۵، کارگران برای اینکه گذشتند بسا
- تمامی خلق همگامند تا ارتجاع و امپریالیسم نابود شود.

۲ - در طرح اختلاف، با تائید یکجانبه برجسته‌های تفاهم و اشتراک نظریه‌ها و اساس وحدت اولیه وحدت اقل مواضع سیاسی - ایدئولوژیک، وارد در یک سری همکاریها و فعالیتها مشترک و سیاستی میشود که عملا با استقلال گروهها که خود مانع از بین رفتن آنست، در تضاد قرار میگیرد و سازمانها و گروهها را از نظر تشکیلاتی و قبل از آنکه دارای برنامه و خط مشی واحد باشند اجبارا و بطور مکانیکی باید دیگر تداخل میدهد و آتفتگی و دست و پاگیریهایی زیادی را بوجود می‌آورد.

بطور خلاصه ایده اختلاف از آنجهت که یک "طرف" و "تعمیل" خاص را که برپایه اختلاف و با اتحاد سیاسی قرار دارد، عملا بصورت یک اکثریت و در مقابل وحدت سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی گروههای م.ل. قرار میدهد، و از آنجهت که بسا تعمیل غرض کارپها و ادامه نشت و پراکندگی گروهها و حفظ استقلال سیاسی و سازمانی آنها مانع در برابر وحدت و یکپارچگی این نیروها میشود، دیدگاهی فراسوختی و نهایتا سکتاریستی و گروه گرایانه است. این دیدگاه هم زمینه‌های رشد این گرایش را دامن میزند و هم بطور کلی آترتوجیه تشکیلاتی نموده و مانع از افتاء و طرد آن میشود.

نکته بسیار مهمی که باید در اینجا روی آن تائید شود، رابطه منطقی میان دو دیدگاه فوق الذکر و نقاظ مشترکی است که میان آن دو وجود دارد. این دو دیدگاه، هر یک را پایگاه خاص خود میبازره ایدئولوژیک و نقش عنصر آگاه و تعیین برنامسه و سیاستهای لازم را نمیدهد و متقابلا تابع یک حرکت خودبفودی (اکونومیستی و امپریستی) میگردد. همچنین این دو دیدگاه از آنجا که هر یک بصورت حرکت مستقل گروهها را مورد تائید قرار داده و وحدت آنها را به شرایط موقداتی ارتباط ارگانیک و با یکدوره همکاری و اختلاف موقوف میکند، دیدگاهی سکتاریستی و فرقه گرایانه محسوب میشوند.

دیدگاه اول، از آنجا که عملا وحدت گروهها را منوط به ارتباط ارگانیک میداند، الزاماً چاره‌ای جز آن ندارد که در قبال نشت و پراکندگی جنبش کمونیستی، نوعی همکاری و با اختلاف سیاسی - ایدئولوژیک را مورد تائید قرار دهد و در اینجا است که دیدگاه اول با دیدگاه دوم بهم گره میخورند. نمونه بارز و برجسته گره خوردن این دو دیدگاه انحرافی را در طرح رفقای "مبارزین آزادی طلبه کارگر" در باره وحدت میتوان مشاهده نمود:

"اما آیا اگر وحدت تشکیلاتی معادل مبار - کمیت، لنیست موزول به ارتباط سیاسی - تشکیلاتی با پرولتاریا ستاد دیدگاه ارتباط ارگانیک (این بدان مفهوم است که محافل مارکسیست - لنیستی که در جهت ارتباط با پرولتاریا، موضعگیری کرده اند نمیتوانند و نباید متحد شوند و نیروهای خود را هماهنگ سازند؟ بالعکس این محافل هم میتوانند و هم باید متحد گردند (دیدگاه اختلاف) زیرا برقراری ارتباط سیاسی - تشکیلاتی با پرولتاریا مستلزم فعالیت وسیع و همه جانبه‌ای است که از عهده محافل جدا از هم، با عصب نیست (پس چرا بطرح اتحاد میگوئیم این جدا کیه را همچنان عطف کنیم؟) محافل مارکسیست - لنیست در کردار بایستی متحد شوند (چرا وحدت نکنند؟) تا از این طریق با هماهنگ کردن فعالیت های خود (بخوان اختلاف) و جلوگیری از هرز روی نیروها و امکانات، نیرو و امکان وسیعتری برای تبلیغ و ترویج و سازماندهی فراهم کنند."

مادر شماره آینده، دیدگاه و برنامه خودمان را در باره وحدت نیروهای م.ل. و پیرویه تشکیل حزب کمونیست، مورد بررسی قرار میدهم.

- صفحات ۲۲ و ۲۸ رساله انقلاب دمکراتیک و رهبری پرولتاریا، نوشته "مبارزین آزادی طلبه کارگر". مطالب داخل پرانتز از ما است.

ترجمه : ابیاد بر نامه های روزانه ویژه زیر
نظر سندیکی کارگران رادیو، تلویزیون.

مراسم بعد از ظهر : شاد و نشاط و ...

کارگران پروژه ای همینطور از مردم آبادان دعوت بعمل آورده بودند که ساعت ۵ بعد از ظهر در محل سندیکی حضور بهم رسانیده و در جشن کارگران پروژه ای شرکت کنند " شاد و نشاط "

در آثار گروهی از کارگران سرود معروف به " شاد و نشاط " که نشان دهنده جنگ هر لحظه ای کارگران و سرما به داران است را خوانند :

" شاد و نشاط ، دوباره با هم ، دیده خواهی تو بدو لقم ، هرگاه هم بوده باشیم ، این ستیزه نمی شود هیچ کسم ، جزمگر ، جزمگر ، در تمام این جهان ، پیروزی پیروزی ، گردد نصیب کارگران ، ای کارگر ، غذا گرفتارم ، بویخ ، جان را در ره خلق ایران بگذار "

سپس نمایشنامه ای بوسیله یهود کارگران پروژه ای اجرا شد موضوع نمایشنامه مبارزه کارگران پروژه ای و بیکار آبا - دان را جهت گرفتن سندیکی و چگونگی تثبیت آنرا نشان میداد .

و آنگاه مادر یکی از کارگران پشت تریبون قرار گرفت و گفت :

" فرزندی من که یکی از کارگران پروژه ای است بیکار شده و الان که آنها این سندیکی واقعی و غذا گرفتارم را درست کرده اند عده ای از سرمایه داران در حسنه بهیمنه ای آبادان اتحادیه قلابی بنام " اتحادیه کارگران بیکار و کارون تحصیل کرده های دیپلم به بالا " درست کرده اند و چون فرزندان ما زیر بار نرفتند به آنها در فرمانداری حمله کردند و دندان پسر من را هم شکستند . (پس از آن دندان فرزندی را به حمایت نشان داد) پس از آن در حالیکه این شیر زن قهرمان دستهایش را بالا برده بود ، فریاد زد : چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است .

آنگاه " جمعیت زنان مبارز " ، دانش آموزان بهیمنه ، " دانش آموزان دبیرستان مدینه رضائی " ، دبیرستان فردوسی " ، دبیرستان شریف واقعی " و ... اعلام همبستگی کردند .

بردهوار سندیکی روی پارچه ای نوشته شده بود : " تشکیلات واقعی کارگری گامهای استوار در جهت نابودی امپریالیسم است " (دانشجویان مبارز)

دوروبر کارگرفت ما مبارز ویر و سرسخت ما اول ماهه در مسجد سلیمان چگونه بزرگوار شد ؟

روز ۱۱ اردیبهشت ، طبق دعوت " شورای کارکنان صنعت نفت مسجد سلیمان " کارگران صنعت نفت برای بران همبستگی خود با تمام کارگران سراسر ایران و تحکیم پایه های وحدت خویش ، ساعت ۸/۵ صبح در باشگاه شرکت نفت جمع شدند . کارگران بهیمنی شرکت نفت هم بعد از طی یک راه بهیمنی دسته جمعی به جمع آنها پیوستند .

در این جمع ، چندین از کارگران در مورد ضرورت ایجاد تشکیلات کارگری و وحدت کارگران سخنرانی کردند . همچنین نماینده کارگران بهیمنی شرکت نفت ضمن حمایت بهرمان شال کارگری و لزوم اتحاد تمام کارگران ، یادآور شد که کارگران صنعت نفت باید از خواسته های بحق کارگران بهیمنی حمایت کنند که کارگران حاضر در جلسه این مسئله را تأیید کردند . یکی از خواسته های کارگران بهیمنی ، رسمی شدن تمام کارگران بهیمنی شرکت نفت مسجد سلیمان می باشد .

همزمان با این جشن کارگری ، عده ای از کارگران بیکار و کارگران سایر شرکتها ، از میدان نفتون سمت باشگاه شرکت نفت برای پیوستن به کارگران شرکت نفت حرکت کردند و چون جشن کارگران شرکت نفت تمام شده بود به راه بهیمنی خود ادامه دادند . عده ای از کارگران شرکت نفت هم بعد از خارج شدن از باشگاه به صفوف آنها پیوستند و راه بهیمنی را ادامه دادند . تظاهرات کنندگان معمولاً در حدود ۲۰ نفر بودند ، شعارهایی که کارگران ضمن راه بهیمنی می دادند چنین بود :

- ۱- اتحاد ، اتحاد ، زحمتکاران اتحاد .
- ۲- با زوری کارگر ستون انقلاب است ، بیکاری کارگر بزرگترین گناه است .
- ۳- کارگر ، کارگر سرمایه از روز ازل نبوده ، سرمایه دار حق شورا را رسود .

- ۴- سرمایه وابسته ملی باید گردد ، حقوق کارگر پرداخت باید گردد .
 - ۵- درود بر کارگر نفت ما ، مبارز دلیر و سرسخت ما .
 - ۶- کارگر ، کارگر ، زنده بکار شو ایم .
- در این راه بهیمنی کارگران پلاکاردها و پوسترها شلی با خود حمل میکردند که در آنها در تأیید همبستگی کارگران شعارهای زیر چشم میخورد :
- ۷- گرامی باد اول ماهه ، روز جهانی کارگر !
 - ۸- قانون کار باید از دل خواسته های کارگران بیرون بیاید .
 - ۹- کارگران خواستار شرکت در مجلس موسسان هستد .
 - ۱۰- آهنگین باد مشت رنجبران ، زنده باد اتحاد کارگران .
 - ۱۱- کارگر پاره میکند بگروز ، همه رنجبران وفید و بند جهان .

عده ای از مسلمانان دانش آموزان و کارمندان مسجد سلیمان نیز صف کارگران را همراهی میکردند . در پایان این تظاهرات ، بعد از خواندن مقاله ای توسط یکی از کارگران بیکار ، بهرمانون نقش طبقه کارگر در انقلاب اخیر ، قطعنامه شورای موسسات اتحادیه سراسری کارگران پروژه ای مسجد سلیمان ، قطعنامه کارگران نمایندگی ایران ناسیونال در مسجد سلیمان ، قطعنامه عده ای از کارگران پرسرزیون ، قطعنامه سندیکی کارگران پروژه ای مسجد سلیمان فراتر شد و سپس عده ای از دانش آموزان در تحلیل از روز جهانی کارگر بر نامه ها - سخنرانی و سرود دسته جمعی و شعر اجرا کردند . این مراسم در ساعت ۱۲/۵ ظهر به پایان رسید .



در حاشیه برگزاری جشن اول ماهه در شبیر

برای روز اول ماهه کارگران از طریق کمیته ای بنام " کمیته برگزاری کارگری اسلامی جشن کارگر " از نمایندگان کارخانه های مختلف دعوت میکنند که روز سه شنبه ساعت ۸ صبح در باغ گلستان جمع شده و از آنها به سمت باغ شمال حرکت کنند . کارگران برای این جشن قبلاً با زحمت زباده از استانداری برای باغ شمال اجازه گرفته بودند . در همین روزها روحانیت شبیر محل تجمع را دانشگاه شبیر اعلام نمود .

در روز کارگر یک پیکان راهنمایی مجهز به بلندگو در خیابانها اعلام میکرد که همه به سمت دانشگاه بروند . در میدان ساعت عده زیادی از فالانژها (که در میان آنها عناصر روحانی می بود) جمع شده بودند و راه را به سمت استادیوم باغ شمال بسته بودند و همه را به سمت دانشگاه هدایت میکردند . در جریان این راه پیکان در انحراف ظنی و شگ نظری عاملین آنرا نشان میداد ، زد و خوردهای پیش آمد و به زنان توهین شد . بطور مثلاً :

دسته ای از کمیته زنان ماشین سازی بطور مستقل به سمت استادیوم باغ شمال راه بهیمنی میکردند ، که فالانژها راه را برایشان زنان بسته و به آنها توهین کرده و آنها را به اداره شهرداری برده و زنی را کارگر موقت شدند مجدد به سمت باغ شمال حرکت کنند .

همینطور کارگران بیکار با وجودیکه فشار زیادی از طرف فالانژها به آنها وارد میشد و حتی شمشیر در آنها معطل شدند ، سرانجام سد را شکستند و از همان مسیر به سمت میدان باغ شمال حرکت کردند . عده ای از کارگران دیگر هم همینکار را کردند . در استادیوم نیز عده ای از فالانژها با چوب چماق به کارگران حمله کردند و زد و خورد در گرفت و سنگ اندازی بطرف کارگران صورت گرفت و جلوی اجرای برنامه های کارگران گرفته شد . فالانژها مؤنثانه شعار میدادند " کمونیستها باغ شمال ملما شما به سمت دانشگاه " .

مراسم روز جهانی کارگر در اهواز

چگونه توسط عده ای ضد کارگر بهم زده شد ؟

کارگران بیکار و اخراجی اهواز روز ۱۱ اردیبهشت ، جهت رساندن فریاد خود بگوشت سابرین و همچنین برای اعلام همبستگی با سایر کارگران ، ساعت ۴ بعد از ظهر در فلکه زیتون کارگری اجتماع کردند . کارگران بیکار و اخراجی با پلاکاردهای که روی آنها خواسته های کارگران نوشته شده بود ، بطرف باشگاه کارگران شرکت نفت اهواز حرکت کردند . کارگران در طول مسیر راه بهیمنی با شعارهای " ایران میهن ماست ، سندیکی سنگر ماست " ، " خمینی رهبر ماست ، سندیکی سنگر ماست " و " ما خدا انقلابی هستیم ، ما کارگر بیکار هستیم " عده زیادی از افراد محله فقیر نشین صحر آباد را بطرف خود جلب کردند ، بطوری که عده زیادی زن و کودک هم به صف کارگران بیکار پیوستند . در انتهای خیابان صحر آباد ، عده ای از عناصر تحریک شده ، با انواع توهینها و حرفهای ناشایست سعی کردند راه بهیمنی را متوقف کنند که کارگران با شعار " عناصر منافق اجتماع کارگر اخراج باید کردند " برای بهیمنی خود ادامه دادند ، عناصر تحریک شده اینبار به صف کارگران بیکار و اخراجی حمله کردند و با چوبهای پلاکاردها شروع به مغرور کردن کارگران کردند که در نتیجه آن حدود ۸ نفر مجروح شدند . شمار عناصر لافور " داس ، چکش ، ستاره ، دیگر اثر ندارد " بود که مرتب تکرار میکردند . آنها سپس پلاکاردها و پوسترها را پاره کرده و در لجنهای اطراف محله فقیر نشین صحر آباد انداختند ! ...

کارگران بعد از این بوش متوقف شدند و عده ای از آنها خود را به باشگاه کارگران شرکت نفت رساندند و در جشن آنها شرکت کردند . در اطراف باشگاه نیز عده ای از عناصر تحریک شده ، تحت حمایت کمیته امام ، پوسترها و پلاکاردهای " شورای موسسان را شکستند و بتدریج وارد سالن برگزاری جشن شدند . آنها داخل سالن نیز به انواع حیل سعی کردند جشن را بهم بریزند و آخر سر هم موفق شدند . آنها با عنوان کردن اینکه اگر جلسه اسلامی است چرا عکس " آقا " بگذارد است ، چرا عکس آقای بازرگان را زنده اند ... شروع به کندن پوسترها و پلاکاردهای " شورای موسسان " کردند و از سخنرانی ، سخنران جلسه جلوگیری کردند . یکی از کارگران حاضر در جلسه میگفت : " من بعد از ۲۶ سال دلم خوش بود که امروز یک جشن واقعی میگیرم که انهم اینطور شد " . افراد حاضر در جلسه ، بدون اذیت دادن بر دیاری خود ، بتدریج سالن را ترک کردند .

در بیرون باشگاه عناصر تحریک شده که مجهز به چماق و پنجه بکس و چاقو ... بودند شعارهای ضد کمونیستی میدادند . کارگران و دانشجویان را متفرق کردند . عناصر فوق با ماشینهای کمیته و همچنین وانت بار های کرا به ای از محلات مختلف اهواز در محل جشن حاضر شده بودند . در جریان این حادثه افراد کمیته امام ناظر جریان نبوده و کوچکترین کوششی در جهت جلوگیری از اعمال این عناصر تحریک شده نکردند . در طول باشگاه ، عناصر فوق یک بهر بهر ۱۵ - ۱۴ ساله را تنها بجرم اینکه یک روزنامه کارگری دستش دیده بودند ، مفلک کتک زد و مغرور کردند . در طول این جریان ، افراد خانواده های کارگران (باشگاه) در محله کارگران نفت واقع است (از این حادثه بدنت ناراحت بودند و اظهار می کردند که اولادش کارگری که جرم نیست ، ثانیاً اگر هم راه بهیمنی و نظر - هراتی برپا می شود ، علتش بیکاری و تأمین شدن زندگی آنهاست و ...

عناصر تحریک شده ، تا ساعت ۷/۵ شب (جشن ساعت ۵ شروع شده بود) در منطقه حضور داشتند و مداومت با کارگران و دانشجویان مبارز بودند و هرجا آنها را پدید میکردند ، دسته جمعی آنها را مغرور میکردند .

مبارزات واعتصابات کارگری

به کارگران را نیز گرفتند (البته حداقل حقوق مدت بهکاری ۵ روز بود) . از خواسته های دیگر کارگران ، اضافه حقوق بود . نمایندگان کارگران لیستی از اضافه حقوق تهیه کرده و با خود به تهران می بردند (۱) - (۱) اوایل فروردین ماه - و از مدیر عامل کل شرکت ماشین سازی پارس فردی بنام ترک زاده (قول می گیرند که این لیست را قبول کرده و بر طبق آن ، ۸ روز اردیبهشت ، پول برای کارگران بفرستد .

روز ۸ اردیبهشت پول نمی رسد و روز ۹ اردیبهشت از تهران خبر می رسد که با اضافه حقوق مورد درخواست شما موافقت نشده است . به محض رسیدن این خبر به گشت کارگران ، آنها دست از کار می کشند و دفاتر اداری شرکت ماشین سازی را نیز تعطیل می کنند . در همین حال مامورین کمیته امام سر میروند و علت اعتصاب را جویا میشوند نمایندگان علت را به آنها توضیح می دهند ، سپس یکی از آنها برای کارگران سخنرانی می کند ، و از آنها می خواهد که اعتصابشان را شکسته ، بسر کار بروند ، ولی ، کارگران قبول نمی کنند ، قرار می شود که نمایندگان کارگران به کمیته کار و امور اجتماعی در اهواز رفته و با مسئولین کمیته صحبت کنند

پس فردی کارگران متوسل

چرخهای کارگاه با بدون وجود کارفرما بدست کارگران بکار افتاد

واقعۀ هتکای آغاز شد که کارفرما همه ما (۱۰ نفر کارگر) را در تاریخ ۵/۸/۱۳۵۸ بطور دسته جمعی از کار اخراج کرد . هنگامیکه ما برای آگاهی از دلیل اخراج ب شرکت مراجعه کردیم ، با استقبال مسلسل یوزی عامل کارفرما روبرو شدیم . ولی نهار سیدیم . مقاومت کرد ، و در هانجا متحصن شدیم و حتی کارفرما را در جمع خود تکیه داشتیم که البته بعداً بوسیله مأموران مسلح کمیته قناری داده شد . در ضمن تحصن با مراجعه به وزارت کار و دادگستری و همچنین کمیته های امام ، خواهان رسیدگی به این کار شدیم ولی نتیجه ای حاصل نشد و همه جا جواب سر بالا شدیم . ناچار دست به اعتصاب غذا زدیم . ۲۵ روز تحصن همراه با ۴ روز اعتصاب غذا ، نتیجه ۰۰ هیچ !

در حالی که بازوان پرتوان ما به عمل جمعی ما گرسنه اند ، در حالیکه بحران اقتصادی و تعطیل کارخانه ها ، بینمان را در آستانه ورشکستگی قرار داده است ، در حالیکه رهبران انقلاب ، ضرورت بکار انداختن چرخهای اقتصاد مملکت را بارها تذکره میکنند ، در حالیکه چرخهای کارگاه ما در حال زنگ زدن و از کار افتادن بود .

چه باید بکنیم ؟ برای ما کارگران فقط یک راه باقی بود آن ، گرفتن کارگاه در دست خود و بکار انداختن چرخهای آن بایک انگه تیروی خود .

به این ترتیب یوزی شنبه ۹ اردیبهشت به کارگاه رفته و بعد از تعمیر دستگاهها و تقسیم کار دست به کار تولید و فروش شدیم .

دو روز کار بدین کارفرما و اعمال مزدورشی به ما چه آموخت ؟ در همین دو روزی که ما کارگران ، خود اداره کارگاه را در دست گرفته ایم باین نتیجه رسیدیم ما به کس :
۱- ما قادر به تولید نه تنها برابر ، بلکه بیشتر از سابق هم هستیم .

۲- میتوانیم هزینه ها را به حداقل برسانیم .

۳- بدون وجود عاملین کارفرما ، علاوه بر تحویل صحیح تقسیم کار ، محیط کار صمیمانه ای هم برایمان ایجاد شده است .

۴- ما خود میتوانیم کنترل تولید و فروش را در دست داشته باشیم .
و به این ترتیب ما به کار خود ادامه میدیم و هیچ کس هیچ نیرویی نمی تواند ما را از این راهی که انتخاب کرده ایم منصرف کند . ما با این اقدام انقلابی خود ثابت کردیم که :
کارگران میتوانند باید کارخانه های تعطیل شده بوسیله کارفرمایان ضد انقلابی را ، بکار اندازند .

کارگران شرکت تولیدی شن و ماسه " شوساک " (۵۸/۲/۱۱)

در طول چند ماهی که از قیام سلحانه بهمین ماه می گذرد هفته ای نیست که ما شاهد اعتصاب و تظاهرات کارگران نباشیم . بحران اصلی اعتصابات و تظاهرات را خواسته های معنی کارگران : پایان دادن به بهکاری ، پرداخت حقوق ، رسمی شدن ، بیمه و . . . تشکیل می دهد .
چرا کارگران دست به اعتصاب و تظاهرات می زنند ؟ جواب این سؤال از نظر کارگر گرسنه و ستم کش معلوم است ولی عناصر تنگ نظر ، متعصب و انحصار طلب که بیشتر به فکر زندگی آرام خود و بدست آوردن مقام و منزلت هستند ، بنادرست با عناوین نظیر " ضد انقلابی " و " اخلاکگر " به کارگران می تازند .
اما کارگرانی که با بذل جان و خون خهش در جریان انقلاب بر اثر تعطیل کارخانه ، با اعتصاب از کار بیگار شده اند و در این گرانی سرسام آور هزینه زندگی بدون هیچ پشتوانه ای باقی مانده اند . اکنون کمترین سرنگین شده بحق خواهان تحقق خواسته هایشان هستند . اما آنچه آنها در زندگی روزمره خود مشاهده می کنند خلاف این خواسته هایشان است . آنها وقتی به کارخانه بر می گردند ، اکثراً با همان عوامل رژیم سابق ، منتصب در لباس انقلابی مواجه میشوند و جوابهای معمولی سرمایه داران و مسئولین مربوطه را می شنوند .
آنها وقتی بخاطر گرفتن حقوق عقب افتاده تلاش می کنند کثر نتیجه می گیرند و . . . وزارت کار آنها را سر می داند و . . . اخبار زهر گشای از تظاهرات و اعتصابات کارگری است .

است . در ضمن تحمین قطعنامه ای به شرح زیر توسط کارگر-ان خوانده شد :

" قطعنامه کارگران شرکت بهمنشیر " چهارصد ساری
ما کارگران شرکت بهمنشیر ساری که از حدود ۱۳ فروردین ۱۳۵۸ برای احقاق حقوق عقب افتاده ی خود چندین بار به مراجع قانونی (اداره کار - آستانه - کمیته) مراجعه کردیم با اینحال هنوز جواب قطعی به ما داده نشده است .

ما کارگران شرکت بهمنشیر که حقوق سه ماه آخر سال ۱۳۵۷ را دریافت نداشته ایم ، در کمال بی پولی ، زن و بچه و خودمان سرگردان مانده ایم ، حال میخواهیم تا ۸ ساعت دیگر به وضع ما رسیدگی شده و جواب قطعی به ما داده شود و تا احقاق حقوق خود در راستاننداری تحمین خواهیم کرد و بصرا " خواهان پرداخت حقوق خود می باشیم . ما که در رژیم طاغوتی زیر بار مشقات فراوانی بوده ایم دیگر حاضر به تحمل وضع گذشته نمی باشیم . اگر تا ۸ ساعت دیگر حقوق عقب افتاده ما پرداخت نشود خود را با " دست بعمل زده و از شرکت ماشین آلات را به شهر خواهیم آورد و تسا رسیدگی به وضعمان آنها را تصرف خواهیم کرد .

کارگران بیکار شرکت بهمنشیر چهارصد و ایست به صنایع چوب و کاغذ مازندران ۵۸/۲/۱۵

۸۰ کارگر بیکار شرکت نفت مسجد سلیمان خواهان رسمی شدن میباشند

" کارگران این شرکت که ۸۰ نفر بوده و اکثراً ۲۵ سال سابقه خدمت دارند ، نه تنها از مزایای سکن ، حق سکن ، سود و یوز و . . . برخوردار نیستند بلکه سطح دستمزد ها - شان بسیار پایین است . طوریکه یک کارگر ساده روزانه ۲۷۹ ریال مزد می گیرد . " این کارگران در جلسه مشترک ، ۱/۱۲/۱۳۵۸ خواسته های خود را به شرح زیر تنظیم کرده ، به اداره ابلاغ و به آن دو ماه فرصت برای رسیدگی به این خواسته ها داده اند . خواسته های این کارگران بقرار زیر است :

۱- رسمی شدن کلیه کارگران
۲- رسمی مزد و ریگ در گذشته بایزم شاه زد و بند داشتن برکنار شوند .

۳- عامل قرار دادهای شرکت نفت با کارفرمایان به دادگاه - ها سپرده شود تا زنده های مسئولین برای بالا کشیدن حق کارگران بسمانی بر ملا شود .
تا کنون جواب مسانی از طرف شرکت نفت به کارگران داده نشده است .

اعتصاب و صنایع فولاد

صنایع فولاد : مجتمع صنایع فولاد ، در حال حاضر توسط سه شرکت بهمنکاری فاستر ویلر - مانا - ماشین سازی پارس در حال ساختمان و مونتاژ دستگاهها و . . . است . کارگران قسمت ماشین سازی از آذر ماه ۵۷ تا ۲۸ بهمن ماه در حال اعتصاب بسر می بردند که در این تاریخ کارگران بسر کار خود باز گشتند . قبل از این تاریخ شرکت ماشین سازی حدود ۲۰ نفر از کارگران خود خرا اخراج کرده بود . بعد از شروع کار ، کارگران از بین خود ، نفر نامیده انتخاب کردند که خواسته هایشان را دنبال کنند . یکی از خواسته های کارگران تعطیلی پنج شنبه هابود که توسط نامه های مکرر خواستار تعطیل شدن پنج شنبه هابودند . بعد از عید نوروز کارگران خودشان پنج شنبه ها را تعطیل کردند (کارگران شرکت های مانا و فاستر ویلر هم بد نال این جریان پنج شنبه ها را تعطیل کردند) .

از خواسته های دیگر کارگران باز گشتن کارگران اخراجی بود که کارگران به اتفاق نمایندگان خود موفق شدند کارگر-ان اخراجی را بسر کار باز گردانند و نیز حقوق نصف مدت

اعتصاب کارگران کارخانه پارسه بانی مقدم

کارگران این کارخانه از ۵۸/۲/۸ دست به اعتصاب زده اند . خواست آنها بقرار زیر است ۱- افزایش دستمزد ۲- کاهش ساعت کار ۳- بویس ایا ب و ذهاب برای کسج و تهران (سالن غذا خوری با میز و صندلی) (گزارش رسیده جریان این اعتصاب تا تاریخ ۵۸/۲/۱۲ نشان میدهد) .
نکاتی در مورد این کارخانه : مدت کار ، زیاد - کارگر-ان با حساب ۱ ساعت تا ۱ ساعت و ۲۰ دقیقه کاری - کنند و دستمزد کم : توسط دستمزد کارگران . . . تومان در ماه است . اخراج ستم کارگران : صاحب کارخانه کارگران را به - چهار ماه بیکار اخراج می کند شباه این ترتیب ، از پرداخت حق بیمه باز نشستی و سایر مزایا . . . خود داری کند .

نامه کارگران بیکار کارخانه دوخت مقدم

کارگران بیکار این کارخانه واقع در نظراباد بزرگ " طس نامه ای " به وزارت کار خواستار جواب به خواسته های زیر شده اند .

۱- استخدام فوری کارگران بیکار
۲- پرداخت دستمزد ها در ایام تعطیل
۳- پرداخت کلیه پولهای حق قبلا " بعنوان حق بیمه از دستمزد کسر شده است .
۴- بیمه کردن تمام کارگران .

در این نامه آمده است که " ما گروهی از کارگران زن کارخانه این گزارش را برای روشن شدن ذهن هموطنانمان بر آنچه که بر اثر اعمال ضد کارگری روسای این کارخانه بر ما وارد شده است ، می نویسیم " . آنها می نویسند که اگر این کارخانه حدود ۸۰ کارگر را می کشد که اکثراً زن هستند و دستمزد روزانه شان حدود ۲۵ تومان است . . . قبل از عید کارفرما اظهار داشت که تولید کارخانه بغرض نمی رسد و شما می توانید دنبال کارتان بروید و اکنون که مدتی است کارخانه را به افتاده ما را به بهانه اینکه به کارگر نیازی نیست استخدام نمی کنند " کارگران این کارخانه با اینکه حق بیمه از حقوفشان کسر می شده ولی بیمه نبوده اند . سود ویژه به بهانه " رسمی نبودن " دریافت نمی کردند و . . .

اجتماع شرکت ساحتانی مملکت

صبح روز شنبه ۵۸/۲/۱۵ کارگران این شرکت پس از ماه ها دوندگی جلوی ساختمان شرکت واقع در خیابان تخت جمشید برای دریافت حقوق عقب افتاده ۶ ماهه در مقابل شرکت متور جمع کردند هنوز ، از نتیجه ای این تجمع اطلاعی بدست ما نرسیده است .

توطئه یی بر علیه کارگران

خبری داریم از کارخانه سیمان آبیگ بتاريخ ۲/۱۴/۵۸ مبنی بر اینکه در این کارخانه اعلامیه بدون امضای بخش شده که در آن به " کمیته امام به عنوان دشمن سند بگاهی واقعی کارگران " حمله شده است . این اعلامیه به اتحاد و همبستگی کارگران خدشه وارد ساخته و بدست " روحانی " پیشنامز کارخانه ، گزاف داده است تا در بین کارگران اختلافات را دامن زند .

حقن کارگران شرکت بهمنشیر

۱۲۰ نفر کارگر شرکت بهمنشیر ایست به صنایع چوب و کاغذ مازندران برای احقاق حقوق خود از ۵۸/۲/۱۵ به مدت ۸ ساعت در راستاننداری تحمین کرده اند . سرمایه - داران این شرکت غلامرضا پهلوی بوده و کارخانه را شخصی بنام مهندس صالحی اداره میکرده است . که اکنون فراری

نمونه‌ای از بقایای ضد انقلابی با دست‌های سابق :

برای مقابله با اعتصابات، طرح تشکیل گروه‌های نظامی را داده بود.
برای تصفیه این گروه‌ها و اختراست اکثریت در نظر گرفته شد.

۳- سید عبدالله مستطای : یکی از رؤسای کارخانه 400 و پیمان‌مرفه است .
۴- شکرخدا بهمنی : فلان‌تروشنکر و تکسین اداره تهیه گاز و گاز مایع .
۵- شماسی : کارمند ارشد گاز و گاز مایع . فلان‌ترو صاحب ویلا و تحصیل کرده انگلستان است . او بزرگ فلاسٹر صنعت نفت محسوب می‌شود و وعده رهبری شورای گاز و گاز مایع در دست اوست . بیشترین اعمال نفوذ را در شورای انقلابی صنعت نفت [که نماینده گاز و گاز مایع در آن شورا (است) انجام می‌دهد . او پسری از حاجی‌های مشغول بازاری می‌باشد .

۱- انتخاب نمایندگان کارکنان : تعیین و انتخاب چنین نمایندگانی از طریق دموکراتیک که مورد قبول کامل کارکنان و کارگران باشد کاملاً خیالی و ضروریست و می‌بایست در اسرع وقت انجام شود .

۲- تشکیل کمیته رهبری و سازمان مواجهه با اعتصاب : تشکیل چنین کمیته و سازمانی از طرف شرکت ملی نفت ایران برای هریک از شرکت‌های تابعه کاملاً ضروریست . این سازمان باید در هر مورد تعیین‌کننده سیاست مواجهه با آن مورد معین باشد . عملیات رهبری ، مذاکره ، تصمیم ، تبلیغ ، روابط عمومی و روابط خارجی باید در چنین سازمانی متمرکز گردد . بدون چنین سازمانی عملیات موفقیت‌آمیز و وسیع مواجهه با اعتصاب مقدور نیست . تشکیلات چنین سازمانی باید قبلاً داده شده باشد و برنامه ان‌معلم باشد و وسائلی تهیه و ذخیره شده باشد .

دوره‌ها و تفاوت‌کننده ها و تشکیلات دهند . های با هوش و مطمئن باشند که نسبت به واقع‌نگر و دید روشن- بینانه ای داشته باشند و در عین حال بحث کنند . های منطقی و فروشنده موفق قیامد و آرا باشند .

۳- نیروی انسانی ذخیره برای عملیات اضطراری : ایجاد نیروی انسانی ذخیره ای که در مواقع اضطراری راساً و عملاً بهره برداری و عملیات قسمتهای حیاتی شرکت را بعهده بگیرد لازم بنظر می‌رسد . چنین سازمانی در شرایطی وارد عمل می‌شود که نیروی معمولی کارکنان بدلیل عده ای از قبیل اعتصاب‌شورش ، جنگ و یا خرابکاری‌های عده از هم پاشیده شده باشد .

افراد این سازمان فقط در مواقع اضطراری تحسنت دیسپلین و مقررات ارتشی باشند . در این مواقع رفتار با آنها و مجازات آنها تحت قوانین ارتشی باشد .

منابع انسانی لازم برای چنین سازمانی میتواند یکی یا مجموعه ای از منابع زیر باشد .

الف- افراد ارتش شرکت بعد از یک کارآموزی مدت

ب- کارگران با کارمندان داوطلب داخل شرکت با سابقه و تجربه مربوطه

ج- افراد ایرانی و غیر ایرانی خارج از کمپانی که بک کارآموزی و مانور طولانی را بگذرانند .

آموزش و مانورهای مستمری برای این است تا تیم های مؤثرتری را در این مورد برای کارهای معینی سازمان داد .

بدیهی است این تیمها بیشتر برای نقاط استراتژیک مخصوص تشکیل و تربیت شود و بکار گرفتن تیمی که برای یک واحد معینی تربیت شد در واحدهای دیگر شاید برای بهره‌برداری

های مختلف عملی باشد ولی درست‌های گاز و گاز مایع و تصفیه خانه‌ها بپایست برای کار مخصوص در کارخانه

بخصوص آموزش ببینند و تربیت شود .

در مقابل کار و تقبل تعهدی که این افراد میکنند افزایش حقوق مخصوص شیبه حق کارگاهی درست شود که در مواقع

مؤثره نفت در دست کوچکی از حقوق معمولی و در مقابل کار واقعی و اعتصابات ۲۰۰ الی ۳۰۰ درصد حقوق معمولی باشد که داوطلبین لازم را جذب نماید .

۵- برنامه دقیق و جزئی عملیاتی برنامه جزئی و کامل تهیه وسائل حفاظت ، امکان سکونت در محل و وسائل حمل و نقل ، ارتباطات رادیو تلفنی طوق حفاظت خانواده ها و اموال اشخاص و روشهای جزئی پنهانکاری کامل از هم

اکنون تهیه و بوضع اجرا گذاشته شود .

۶- سیستم های خودکار و کنترل از راه دور برای واحد-

های بهره برداری

جهز کردن تعدادی از کارخانه های بهره برداری با سیستم های خودکار کامل و تلویزیونی مدار بسته و کنترل از راه دور کاملاً مقدور و آیین است . برای ساده کردن عملیات بهره برداری نفت تقلیل تعداد مرحله های بهره برداری از

۵ و مرحله به ۳ یا ۲ مرحله ضروریست .

کارگران دلیرو پیشرو صنعت نفت پس از قیام مبارزه خود را برای تصفیه و اخراج عناصر ضد انقلابی و کسانی که در گذشته با رژیم شاه همکاری وسیعی داشته اند آغاز کردند . امام دین‌راه با ممانعت‌های فراوانی از اجابت مقامات مسئول ریوشتند فشار انقلابی آنها تا بدان حد بود که عملاً هیئت مدیره شرکت را یکبار واداره استقامت‌موند که بلافاصله در موضع خود ایضا شدند . علی‌رغم تمام تنجاص آشتی جویانه که کارگران و کارمندان مبارز را به سازش باحتی سردسته ها و طراحان ضد انقلابی دعوت مینماید . کارگران و کارمندان مبارز شرکت نفت ، مبارزه بحق خود را برای تصفیه عناصر و ایستاد ادامه می‌دهند . در زیر نمونه ای از اعمال مقامات مسئول و عناصر سازشکار را برای زهرا گذاشتن خواست اکثریت توده های کارگر و کارمند می‌آوریم :

نامه ای که بدینال این سطوری آمد بتاريخ ۷/۱/۵۸ از طرف علی گرامی رئیس اداره گاز و گاز مایع خطاب به جهانگیر

رئیس سرپرست عملیات اکتشاف و بهره برداری شرکت ملی نفت به منظور ادامه راه حل های مناسب مقابله با اعتصاب کارکنان صنعت نفت نوشته شده است . این سند و اسناد دیگر توسط کارکنان صنعت نفت بدست آمده و از آنها برای تصفیه عناصر مزدور رژیم سابق و پاکسازی صنعت نفت استفاده می‌کنند . در این نامه علی گرامی روش‌های مقابله با اعتصابات و پیشگیری آن را به روشی ارائه می‌دهد و بخصوص طرح بک نیروی ذخیره برای عملیات اضطراری با انضباط و دیسپلین ارتشی را پیشنهاد میکند و نقش ضد انقلابی خود شرا به وضع نشان می‌دهد .

در رابطه با تشکیل شوراها و کمیته های انقلابی در شرکت نفت به منظور تصفیه افراد ضد انقلابی و پاکسازی صنعت نفت در روز یکشنبه ۵/۸/۱۳۵۸ جلسه پاکسازی گاز و گاز مایع از ساعت ۱۱ صبح تا ۵ بعد از ظهر با شرکت کارکنان و کارمندان اهواز ، آغا جاری ، گیساران ، باهشهر در اهواز تشکیل شد تا نسبت به موضوع پاکسازی محیط کار تبادل نظر و تصمیم گیری کند . این جلسه بدعت کمیته اداره گاز و گاز مایع اهواز و با توجه به توصیه های حسن نیت - مدیرعامل شرکت نفت - برگزار می‌شود . ترکیب کمیته انقلابی گاز و گاز مایع عبارت از ۴ کارمند و ۱ کارگر است که زیر نفوذ و رهبری مستقیم شماسی که از کارمندان با سابقه است می‌باشد . این کمیته تحت تاثیر شماسی است و شماسی نقشش مهمی در تصمیم گیریهای کمیته دارد .

در این جلسه شگفتی که کارگران و کارمندان از عده ای (کارکنان) داشتند مطرح شد و پس از اینکه فرصت کافی برای توضیح به طرفین داده شد ، جمع حاضر را ی مخفی درباره کسانی که مورد اتهام قرار گرفته بودند نظر خود را ابراز داشت . یکی از آقایانی که مورد بازخواست و اتهام قرار گرفت همین جانب‌علی اشرف گرامی بود که طرح مقابله با اعتصاب را پیشنهاد کرده بود . در این جلسه ۳۲ نفر را

به ابقا ، ۴۳ نفر را به فرصت دادن و ۷۲ نفر را به برکناری دادند و علی‌رغم رای ۷۲ رای از مجموع ۱۴۸ رای دایر بر برکناری و ۴۳ رای فرصت بود شورای انقلابی [] به او فرصت داده و عملاً درست خود شرا بقا کرد . در این طرح با افراد ۳۲ نفر فرصت داد می‌شود و بعد ايس از انقضای مدت در اجتماع کارکنان رای گیری می‌شود تا رای خود را اظهار کنند . این تصمیم گیری به وضع ماهیت شورای به اصطلاح انقلابی گاز و گاز مایع برهبری شماسی را نشان می‌دهد که چگونه با یک عنصر ضد انقلابی سازش می‌کند . گرامی در عرض یکسال گذشته با گریه رقصانی های خود (در رژیم شاه) پسند او را طی کرد . رئیس مهندس گاز و گاز مایع و رئیس اداره عملیات گاز و گاز مایع و آخرین مستش معان مدیر گاز و گاز مایع بود . والا عملاً (نه رسماً) سرپرست گاز و گاز مایع است (گفتمی است که آقای نریم مدیرعامل نفت به علت فشارهای که از پائین به او وارد شد بخش نامای صادر کرده و گفته تمام رؤسا و مدیران مؤتمی هستند و حالا برای راندانان نفت با آنها بسازید و کم کم تصفیه می‌شوند به همین جهت شغل های فملراسی نیست ولی درونمای هست که نشان می‌دهد که اینجا ابقا می‌شوند)

روشهای که نامه به او نوشته شده در حال حاضر رئیس مناطق نفت خیز جنوب است قیلا رئیس کل تولید و اکتشاف (قبیل از قیام) بود که در زمان انصاری از معاونت OSCO (شرکت خاص خدمات) به ریاست OSCO و شرکت های عامل نفت تبدیل شد . الا رئیس بلاواسطه OSCO ، شرکت های عامل نفت و عملیات غیر صنعتی نفت خیز است - چگون

OSCO با شرکت ملی یکی شده است .

روشهای وعده ای از مدیران و رؤسا باندی را تشکیل می‌دهند که در اسرار آن روشی است ، گرامی (که هر دو زرتشتی هستند) تهرانی (مدیر مهندسی نفت) ، سراجی (مدیر پرستل) وعده ای دیگر از جمله جوارچی اعضای این باند هستند برای ابقا ، یکدیگر می‌کنند (آنها روابط نامبلی دارند) و محل تجمعشان باشگاه اهواز است ، غیر از اینها باند دیگری هم هست که محل تجمعشان باشگاه گلف است و برخی عناصرن دستگیر شده اند (نقشینه و ...)

اعضای کمیته انقلابی گاز و گاز مایع که این تصمیم را گرفته اند ۴ کارمند و ۱ کارگر به اسمی :

۱- منجزی : یک کارگر (400 NGL) آریستوکرات است .

۲- علی صالح مرادی : رئیس کارخانه 600 چند واحد خانه دارد که به شرکت اجازه داده است ، و برخورد های بسیار بوروکراتیک با توده های کارمند و کارگر دارد .

جناب آقای جهانگیر روشی سرپرست عملیات اکتشاف و بهره برداری شرکت ملی نفت ایران

نوشته زیر تجزیه تحلیلی است که اینجانب از اعتصابات اخیر کارکنان و مؤتمیت شرکت میکم . چون شامل مطالباتی است که سیاستهای کلی شرکت را در بر میگیرد و شامل سرمایه گذارها و خرجهای عملیاتی است و لزوماً احتیاج به تصمیم‌هایی در سطح عالی مدیریت دارد لذا مستقیماً شما نوشته می‌شود و در صورت موافقت در سطح دیگر نیز طرح می‌شود .

تجزیه اعتصابات اخیر در شرکت خاص خدمات نفت ایران نشان داد که این سازمان شاید مانند سایر سازمانهای دیگر شرکت ملی نفت ایران در مقابل عمل دستجمعی یک پاره ای چون اعتصاب اخیر نه تنها آمادگی مقابله ندارد بلکه کاملاً بی دفاع و تسلیم است . بررسی بعضی از علل عده ای - جریان کنی برای کشف کمبود ها و تجهیز بهتر نیروها برای مقابله آتی با چنین حوادثی است .

اگر با فکری روشن و بی طرف به موضوع نگاه کنیم علل عدم توفیق شرکت در مقابله موفقیت آمیز با اعتصاب اخیر برقرار زیر بنظر می‌رسد .

۱- در گذشته اعتصابات همی وجود نداشته و بالتجربه هر دو طرف اعتصاب (کارکنان و شرکت) در این مورد کاملاً بی تجربه بوده اند و در جریان اعتصابات اخیر دنبال راه و حرات شدند .

این ادعا هم در مورد شرکت و هم در مورد عده کثیری از کارکنان و نمایندگان کارکنان صادق است و تنها معدودی از رهبران اعتصاب بودند که واقعاً در پیشاپیش حوادث شرکت می‌کردند و از اتفاقات بنفع خود استفاده می‌نمودند یا بزبان دیگر برنامه داشتند و فکر و پیش بینی میکردند و فکراً لعمیل خود را در مقابل حوادث بررسی نموده بودند و راههای دیگر زنده نگهداشتن اعتصاب را بررسی کرده و اجرا می‌نمودند .

۲- در گذشته سازمانهای دولتی وجود داشته اند که ابتکار عملیات را در دست داشته و بطور خودکار از شرکت حمایت میکردند و بالتجربه یک سیستم خود سامانوری خود کنترل بر سیستم غالب بود و بطور کلی شرکت احساس احتیاجی برای خودکامی در مقابل چنین جریاناتی نداشته و ندارد .

۳- عدم وجود نمایندگان مشغول و یک سازمان رسمی هدایت‌کننده و گفتگوکننده و در هر دو جبهه (شرکت و کارکنان) کاملاً بچشم می‌خورد و بدون چنین سازمانی از دو طرف کمبود قبول انتخاب کنندگان برای روشنه مذاکره ، ارتباط و رهبری بطور کلی زبان گیر ، کم نتیجه ، و مخشوش خواهد بود .

۴- سازمان خاص انکو و رابطه اش با شرکت ملی نفت ایران از لحاظ سیاستهای پرستل ، کارائی پائین مدیریت (در سطح متوسط مدیریت) توزیع نامناسب سنی کارکنان ، تراکم کارمندان خارجی در سازمانهای مختلف همه عوامل مهم و مؤثری بودند که بنفع ادامه اعتصاب عمل می‌نمودند .

۵- یک نکته بسیار مهم اینست که مختصات سیاسی و اجتماعی ایران در این مرحله از زبان حاکم بر تمام این عوامل بوده اگر کسی این اعتصاب را در متن و چهارچوب قیام داخلی و سیاست های کلی دولت و روشهای ملت‌تقرا را نینداد راه حل هایش بهیچ وجه نمیتوانست مؤثر و عملی باشد .

بهر تقدیر این موضوع خیلی در سیر عمیده شد و اگر بوضع استنباط شده بود شاید روی سامان عملی جزئی توافقهای مهمی میتوانست انجام شود و زمانهای با ارزشی از دست نرفت .

با در نظر گرفتن مطالب بالا پیشنهادات زیر منطقی و عملی بنظر می‌رسد .

۱- سازمان خاص انکو و رابطه اش با شرکت ملی نفت ایران از لحاظ سیاستهای پرستل ، کارائی پائین مدیریت (در سطح متوسط مدیریت) توزیع نامناسب سنی کارکنان ، تراکم کارمندان خارجی در سازمانهای مختلف همه عوامل مهم و مؤثری بودند که بنفع ادامه اعتصاب عمل می‌نمودند .

۵- یک نکته بسیار مهم اینست که مختصات سیاسی و اجتماعی ایران در این مرحله از زبان حاکم بر تمام این عوامل بوده اگر کسی این اعتصاب را در متن و چهارچوب قیام داخلی و سیاست های کلی دولت و روشهای ملت‌تقرا را نینداد راه حل هایش بهیچ وجه نمیتوانست مؤثر و عملی باشد .

بهر تقدیر این موضوع خیلی در سیر عمیده شد و اگر بوضع استنباط شده بود شاید روی سامان عملی جزئی توافقهای مهمی میتوانست انجام شود و زمانهای با ارزشی از دست نرفت .

با در نظر گرفتن مطالب بالا پیشنهادات زیر منطقی و عملی بنظر می‌رسد .

۱- سازمان خاص انکو و رابطه اش با شرکت ملی نفت ایران از لحاظ سیاستهای پرستل ، کارائی پائین مدیریت (در سطح متوسط مدیریت) توزیع نامناسب سنی کارکنان ، تراکم کارمندان خارجی در سازمانهای مختلف همه عوامل مهم و مؤثری بودند که بنفع ادامه اعتصاب عمل می‌نمودند .

۵- یک نکته بسیار مهم اینست که مختصات سیاسی و اجتماعی ایران در این مرحله از زبان حاکم بر تمام این عوامل بوده اگر کسی این اعتصاب را در متن و چهارچوب قیام داخلی و سیاست های کلی دولت و روشهای ملت‌تقرا را نینداد راه حل هایش بهیچ وجه نمیتوانست مؤثر و عملی باشد .

بهر تقدیر این موضوع خیلی در سیر عمیده شد و اگر بوضع استنباط شده بود شاید روی سامان عملی جزئی توافقهای مهمی میتوانست انجام شود و زمانهای با ارزشی از دست نرفت .

با در نظر گرفتن مطالب بالا پیشنهادات زیر منطقی و عملی بنظر می‌رسد .

۱- سازمان خاص انکو و رابطه اش با شرکت ملی نفت ایران از لحاظ سیاستهای پرستل ، کارائی پائین مدیریت (در سطح متوسط مدیریت) توزیع نامناسب سنی کارکنان ، تراکم کارمندان خارجی در سازمانهای مختلف همه عوامل مهم و مؤثری بودند که بنفع ادامه اعتصاب عمل می‌نمودند .

۵- یک نکته بسیار مهم اینست که مختصات سیاسی و اجتماعی ایران در این مرحله از زبان حاکم بر تمام این عوامل بوده اگر کسی این اعتصاب را در متن و چهارچوب قیام داخلی و سیاست های کلی دولت و روشهای ملت‌تقرا را نینداد راه حل هایش بهیچ وجه نمیتوانست مؤثر و عملی باشد .

بهر تقدیر این موضوع خیلی در سیر عمیده شد و اگر بوضع استنباط شده بود شاید روی سامان عملی جزئی توافقهای مهمی میتوانست انجام شود و زمانهای با ارزشی از دست نرفت .

با در نظر گرفتن مطالب بالا پیشنهادات زیر منطقی و عملی بنظر می‌رسد .

۱- سازمان خاص انکو و رابطه اش با شرکت ملی نفت ایران از لحاظ سیاستهای پرستل ، کارائی پائین مدیریت (در سطح متوسط مدیریت) توزیع نامناسب سنی کارکنان ، تراکم کارمندان خارجی در سازمانهای مختلف همه عوامل مهم و مؤثری بودند که بنفع ادامه اعتصاب عمل می‌نمودند .

۵- یک نکته بسیار مهم اینست که مختصات سیاسی و اجتماعی ایران در این مرحله از زبان حاکم بر تمام این عوامل بوده اگر کسی این اعتصاب را در متن و چهارچوب قیام داخلی و سیاست های کلی دولت و روشهای ملت‌تقرا را نینداد راه حل هایش بهیچ وجه نمیتوانست مؤثر و عملی باشد .

بهر تقدیر این موضوع خیلی در سیر عمیده شد و اگر بوضع استنباط شده بود شاید روی سامان عملی جزئی توافقهای مهمی میتوانست انجام شود و زمانهای با ارزشی از دست نرفت .

با در نظر گرفتن مطالب بالا پیشنهادات زیر منطقی و عملی بنظر می‌رسد .

رفقا!
دربک قرن پیش کارگران همه کشورها تصمیم گرفتند که این روز، اول می را همه ساله جشن بگیرند.

در سال ۱۸۸۹ در پاریس بود که کارگران در کشوره سوسیالیستهای همه کشورها تصمیم به اعلام صریح این روز (اول می) کردند. وقتیکه طبیعت از خواب زمستانی بیدار میشود، هنگامیکه جنگلها و تپه ها نمای سبز بخود میگردند و کشتزارها و مرغزاران خود را با گلها آرايی و زینت میدهند زمانیکه خورشید با گرمی و حرارت بیشتری میدرخشد شادمانی فضا را برمیگرداند طبیعت نمای رنگسار و شادمانی بخود میگیرد، آنها تصمیم به اعلام صریح و رسای این روز را به همه جهان گرفتند، که کارگران بهار را برای انسان می آورند و آزادی از یوغ سرمایه داری را، این وظیفه کارگران است که جهان را بر اساس آزادی و سوسیالیسم، تازه و نو کنند. هر طبقه ای جنبه های خود را دارد. اشراف جنبه های خود را بر پا میسازند. و در آنها "حق" غارت کردن دهقانان را به خود میدهند. بورژوازی جنبه های خود را دارد و در آنها "حق" استثمار کارگران توسط بورژوازی "توجیه" میشود. روحانیون نیز جنبه های خود را دارند که در آنها اوضاع و سبب موجود یعنی مرگ زمینکشان در فقر و تنگدستی کامل و غلبیدن عده ای در غوغای رانی و عیاشی را ستوده و مدح میکنند.

کارگران نیز میبایستی جنبه های خود را داشته باشند، و در آن باید اعلام نمایند: کار، آزادی، برابری عمومی همه انسانها. این جنبه این است آنچه که کارگران در سال ۱۸۸۹ مقرر داشتند.



۷- تهیه گاز خشک

استفاده از منابع زیرزمینی گازهای خشک با فشار متوسط حدود ۱۰۰۰ پوند و هراپنج مریخ بعد از گذشتن از یک لوله (شیر خشک کننده) در دودلهای شیبه و کوچک کاملاً عطفی است و حتی بدون سرپرست هم کار میکند و جدا کردن اینها ت سرد شده در سبوتورهای نفت و یا گاز.

۸- تهیه گاز مایع

ایجاد میستی که از آنکاهی ذخیره برپیان و بوتان بندر ماهشیر برای تهیه ال بی جی به مقدار بیست هزار بشکه در روز استفاده میکنند کاملاً عطفی و مقدور است.

۹- اتصال کارخانه گاز مایع ۱۰۰۰ به سیستم شرکت ملی گاز بید بلشند و ایجاد پای یاس با ظرفیت زیاد در حوالی کبیرسورهای شرکت گاز امکان مناسبی برای ارسال گاز خشک از منبع گاز بازان در زبانه های خیلی اضطراری شمال کشور خواهد بود و این طرح به علت چود چاهها و شبکه جمع آوری گاز بازان و استفاده از یکی از کارخانه های ۱۰۰۰ برای خشک کردن گاز خچ زیادی ندارد و از سال دیگر قابل اجراست.

بعد از سه سال دیگر سیستم شاه لوله دم گاز هم که از منابع زیرزمینی گاز تغذیه میشود تولید مطمئن تری را در اختیار شرکت گاز میگذارد اتصال این دو سیستم به یکدیگر لازمست.

بطور کلی اینجاب برای توسعه طرحهای بالا آماده ام.

با کمال احترام - علی گرامی
اداره گاز و گاز مایع

شرکت سهامی خاص خدمات نفت ایران
اهموا ز

از آن پس تا کنون فریاد رزم کارگران سوسیالیست در جمعرات و مظاهراتها در اول می بلندتر و رساتر به صدا درآمده است. اقبانیوس جنبش کارگری بیشتر و بیشتر رشد میکنند. در کشورها و ولایات جدیدی از اروپا و آمریکا و آسیا، آفریقا و استرالیا جنبش میبایست. در طی فقط چند دهه اتحادیه سابق و ضعیف بین المللی کارگران در رند خود به برادری بین المللی قوی و نیرومندی رسیده است که کشوره های معمولی بر پا داشته و میلیونها کارگر را در همه قسمت های مختلف جهان متحد میسازد. دریای خشم پرولتاریا امواج سختی بخود دارد، و هرچه بیشتر و فاطتر سنگره های متزلزل سرمایه داری را تهدید میکند. اعتصاب عظیم کارگران معدن که این اواخر در بریتانیای کبیر، آلمان، بلژیک، آمریکا و... درگرفت، و شورش بزرگی در قلب های استشارگران و حکمرانان سراسر جهان بوجود آورد، نشانده رویشی از نزدیکی انقلاب سوسیالیستی میباشند...

ماگواله طلایی را پریشان نمکنیم!
ماسلله بورژوازی وطلالان را رانی خواهیم!
سرگ بر سرمایه داری و وحشت فقر، تنگدستی و خونریزی!

زنده باد سلطه کارگران!
زنده باد سوسیالیسم!
این تجزیه است که کارگران آگاه همه کشورها

در این روز اعلام میدارند.
آنها با اطمینان به پیروزی، آرام و قوی، بسوی میمادگا، سوسیالیسم پیروزمند، مفتخرانه راه پیمائی میکنند، گام به گام، ندای کبیر کارل مارکس، کارگران سراسر جهان متحد شوید! را پاسخ میگویند. این چنین است جنبش اول می کارگران در کشورهای آزاد.

کارگران روسیه از آن هنگام که موقعیت خود را درک کردند، که نباید کند کند بدینا رفقای خود درآیند همیشه هم آواز با رفقای خارجی خود بوده و مشترک با آنها علیرغم منغ وحشیانه از طرف حکومت تزاری اول می را جشن گرفته اند. فی الواقع در دو یا سه سال گذشته در خلال دوران عیاشی و مستی ضد انقلاب و بی نظمی و اخلا در حزب انحطاط صنعت، بیمللگی سیاسی توده ها، کارگران روسیه قادر نبوده که جنب کارگری پیروزمند خود را بر پا دارند. اما با تهدید شدید فمالیتهای که این اواخر در کشور صورت گرفته است، اعتما بات اقتصادی و اعتراضات سیاسی کارگران در رابطه با آنها همراه با دادرسی نمایندگان سوسیال دموکرات در دوما دوم، رشد ناراضی در میان اقشار مختلف دهقانان به علت فصلی که تا کنون بیش از بیست منطقه را فرا گرفته و اعتراضات مدها هزار کارگر فرونگها علیه سیستم "جبد" محافظه کاران روسی، هنگی نشان دهنده پاسبان بیحالی، رخوت وستی، و جایگزینی تجدید حیات سیاسی کشور و مقدما در میان پرولتاریا میباشد. این است علت آنکه امسال کارگران روسیه میتوانند و بایستی در این روز دست خود را بدست رفقای خارجی خود بدهند. و به همین علت آنها باید اول می را بهر طریق همراه با آنان جشن بگیرند.

آنها بایستی امروز رسا به اطلاع عموم رسانده و تصریح نمایند که همیشه در کنار و همراه رفقای خود در کشورهای آزاد هستند. آنها گوساله طلایی را پریشان نکرده و نخواهند کرد. آنها به علاوه خواست عمومی کارگران همه کشورها، باید خواست خود را برای سرنگونی تزارسم و برقراری جمهوری دموکراتیک اضافه و اعلام دارند.

تا از استبداد و استعماری متغیرو سبزاریم!
تا به شهدا افتخار میکنیم!
"سرگ بر سزاریم غوغاوار!"
مرگ بر استعماری کارفرمایان در کارگاهها، کارخانه ها و معادن! زمین برای دهقانان! هشت ساعت کار روزانه برای کارگران! جمهوری دموکراتیک برای همه روسیه!

اینجا نیز آنچه است که کارگران روسیه بایستی در این روز اعلام نمایند:

اینکه اکنون در برابر نیکیای آخر لیبرالهای روسی خود و دیگران را اطمینان میدهند که تزارسم خود را در روسیه شمشیت کرده و قادر به پاسخگویی احتیاجات اصولی و اولیه مردم است بجا که باید سپرده شود.

اینکه لیبرالهای روسی در همه حال آواز مرگ انقلاب را سر میدهند و بیشتر "جبد" را موعظه میکنند چیزی جز ربا، دورویی و فریب نیست. به اطراف بنگرید! آیا روسیه خشک و دشتها بی آب است؟ آیا روسیه بی آب است؟ آیا روسیه بی آب است؟

جای یک پارلمان خلقی، دوما سیاه ملاکس ارتجاعی!
بموض "بی ریزی بایدار آزادیهای اجتماعی، بجای آزادی بیان، اجتماعات، مطبوعات، اتحادیه ها، سازمانها و اشیا پرموده داده شده توسط مانیفست ۱۷ اکتبر، دست مرده "احتیاط" و "جلو گیری"، بستر روزنامه ها، تبخیم مدیران روزنامه ها، توقیف اتحادیه ها و حمله به جمعرات! بجای ممنوعیتها، فریدی، کنگ زدن در زندانها، شندی و تجاوز به موطنان، جلوگیری غرضیانه بسون در مملکت طلایی!

بموض پاسخگوئی به احتیاجات دهقانان، سبب است هرچه بیشتر راندن توده های دهقانی از زمین! بجای یک اداره، اجرائی منظم و دستورپذیر، دزدی کارپردازان، دزدی در اداره مرکزی راه، هن، دزدی در اداره، جنگلیاتی، دزدی در اداره نیروی دریائی!

به عوض نظم و دستور در ارگانهای حکومتی، جعل اسناد در دادگاهها، گوشه گیری و باج سبیل گرفتن توسط ادارات با زجوشی جانشی، قتل و ضرر - یک در ادارات پلیس مخفی.

بجای عظمت بین المللی دولت روسیه، بورژوازی تنگبین "سیاست" روسیه در غاور دور و نزدیک و نقش قفاسی و غارتگری در امور ایران غوغایی! بموض آلودگی خاطر و امنیت برای مردم - خود کشی در شهرها و وحشتگرستی میان سیلیبونددها در نواحی روستائی!

بجای اطلاع و پاکسازی معنوی، هرگز باور و تکرار در مومعه ها، این سنگره های رسمی اخلاقی و معنوی!

و برای کامل کردن تصویر، شیربان وحشی نه مدهارنجیر در مملکت طلایی!

هم اکنون این ویرانگران آزادیها، پرستندگان و ستایشگران چوبه های دار و جوغه شیربانان، مخترعین "احتیاط" و "توقیف"، کارپردازان دزد مهندسين دزد پلیس را هن، پلیس مخفی قلماب، براسوب، تین های هرزه را در آغوش دارند، اینها هستند "نوکران روسیه"!

و هنوز موجودند افرادی در جهان که اینهمه بشری و گستاخی را دارند که بگویند همه چیز در روسیه خوب و انقلاب مرده است!

نه! رفقا، آتشا شکه میلیونها دهقان رگر، سنگی میکنند و کارگران با خطر اعتصاب بخون کشیده میشوند انقلاب با یک گرد رسوائی و سنگ بشیری، - تزارسم روسی - از صفحه زمین زنده خواهد بود. و در این روز، اول مه، ما بایستی بهر طریق در میتینگها، اجتماعات توده ای یا در جمعرات مخفی - هر کدام که مقتضی است - بگوئیم که ما خود را در گرو جنگ برای سرنگونی کامل سلطنت تزاری گذاشته و انقلاب آینده را برپا رها نکرده روسیه (خود) نمیگوئیم

بسی گذارید که دستان خود را در دستهای پر فدا بمان در سراسر جهان گره کرده، اعلام داریم: سرگ بر سرمایه داری!

زنده باد سوسیالیسم!

بگذار پرچم انقلاب روسیه که این نوشته ها را حمل میکنند در امتداد آواریم:
سرنگون باد سلطنت تزاری!
برقرار باد جمهوری دموکراتیک!
رفقا! ما امروز اول مه را جشن میگیریم!
زنده باد اول مه!

زنده باد سوسیال دموکراسی بین المللی!
زنده باد حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه!

کمیته مرکزی حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه
کلیات آثار، جلد دوم
آوریل ۱۹۱۲

www.peykar.org

دست ناپاک "قیاده موقت" از کردستان کوتاه!

یاد " قیاده موقت " دست در دست مترجمین مطبی، با زور و ارعاب، روستا نشینان کرد را بختنگ آورده اند. این میکرب های ویرانگر، که در فاجعه ندهد نسیم، بخوشی از عهده وظایف فدا نقلابی خود بر آمدند، به پشتیبانی عناصر مرتجع، از جمله علامه مفتی زاده، چندی است که عملیات ابدائی بر علیه خلق کرد برای انداخته اند.

شکایتی به زیر که به امضا و گواهی ۴۴ نفر از نمایندگان " اتحادیه دهقانان مرپوان و هورامان " رسیده است، نمایانگر گوشه ای از اعمال ضد انقلابی این دار و دسته مزدور میباشد:

۵۸/۱/۲۲

شورای انقلاب اسلامی مرپوان

نمودند که اکنون در بستر است و حالش بسیار وخیم است در تاریخ ۵۸/۱/۲۲ در قهوه خانه " بیه کدزه " بین جاده مرپوان - سنجد با داشتن اسلحه و مهمات و مستقر نمودن مسلسل روی ماشین به باربد ماشین ها و مزاحمت مردم مشغول شدند. از جمله مدعیان از دهقانان وابسته به " به کیه تی جوتباران " را گرفته و از میان آنها خطاب بیک نفر به اسم " ظاهر رستمی " ساکن قریه " الیاسه " تهدید، افراد " قیاده موقت " اظهار نمودند که ما به دستور احمد مفتی زاده ماور تعقیب و آزار کسانسی هستیم، و آنها همچنین در همین روز روز اخیر کسانسی زیادی را در آبادیهای مختلف تهدید به مرگ نموده اند از آن شور ای محترم خواستاریم در اسرع وقت اقدام فوری نموده افراد قیاده موقت، که ما بهیشتان بر همگی معلوم و روشن است، خاک ما را ترک کنند و همچنین به کسانسی که به آنها کمک میکنند، مدام در تماس با آنها هستند، اخطار نماید که دست از اعمال رقت خود بکشند. در غیر اینصورت ما " به کیه تی جوتباران " خود ملا اقدام لازم را خواهیم کرد.

" به کیه تی جوتباران ما مرپوان و هورامان *

امضا و گواهی ۴۴ نفر از نمایندگان " به کیه تی جوتباران " مرپوان و هورامان *

* " اتحادیه دهقانان مرپوان و هورامان "

درخواستی روستاشینان

بسمه تعالی

مبارزات حق طلبانه ملت ایران توانست رژیم فاشیستی و ضد مردمی پهلوی را سرنگون نماید ولی وابستگی ما به دولت های استعماری باقی مانده، بطوریکه بهریرسم بسیاری از نیازهای کشاورزی و صنعتی خود را از کشورهای خارجی وارد کنیم. همانطوریکه دولت موقت جمهوری اسلامی اعلام نموده که طرح های عمرانی را باید از بیشتان آغاز نمود. به همین دلیل ما روستاشینان قریه " نودک " خواستهای عاجل خود را بگوش هگان می رسانیم و از دولت موقت خواستاریم هرچه زود تر در راه به انجام رساندن این خواستها با خود باری ما اقدام لازم را معمول دارد:

- ۱ - باید تمام مسائل ده در شورای دهقانی که از نمایندگان واقعی خود دهقانان تشکیل میشود حل و فصل گردد.
- ۲ - مراعاتی که از عوامل رژیم سابق استرداد شده متعلق به عموم روستاشینان است و هیچ کس بیرون از اهالی این روستا حق شلک بر آنها را نخواهد داشت.
- ۳ - پاسگاه های زاندارمری و دیگر ادارات زیر نظر شورا باید کار کنند.
- ۴ - گسترش تولید کشاورزی از طریق در اختیار گذاردن ماشین های کشاورزی بطور رایگان و تنظیم قیمت عادلانه برای محصولات کشاورزی.
- ۵ - تا مبن برق (با توجه باینکه خط انتقال برق از فاصله ۵۰۰ متری آبادی میگردد)
- ۶ - ایجاد راه سه کیلومتری " نودک " به جاده اسفالت
- ۷ - تفهیر حمام خزینه به دوش.
- ۸ - تاسیس مدرسه و کتابخانه که زمیسن و قسمتی از اعتبار آن تا مبن شده است.
- ۹ - دادن وام های دراز مدت و بی بهره به کشاورزان زیر نظر شورا جهت گسترش تولید کشاورزی.
- ۱۰ - لنو کلیه قرض های دهقانان به شرکت های تعاونی و بانک های کشاورزی و غیره.

از طرف اهالی قریه " نودک " تاکستان

محترما اینجانبان نمایندگان " به کیه تی جوتباران " مرپوان و هورامان " متشکل از ۴۰ آبادی مرپوان میداریم: همچنان که میادید قیاده موقت با جیره - غواران شاه سابق و وابسته های او و پالیزسان در تاریخ ۵۸/۱/۲۲ در آبادی " وله ژیر " دو نفر معلم به اسمی " مدالله نودینان " و " حامیان گداگر " را گرفته و بعد از ایجاد مزاحمت و کتک کاری و توهین و تهدید با دعالت مردم آبادی آنها را مرغی کردند. در همانا اظهار داشتند که " لیبستی " در اختیار داریم که باید همه اینها را نابود کنیم ". در تاریخ ۵۸/۱/۲۲ در آبادی " گورگه ای " را محاصره و به مردم آبادی توهین های ناشایستی نمودند. بعد از تهدید آنها و باز دیدن رشید نوروزی نام، همان اظهاراتی را که در قریه " وله ژیر " نموده بودند تکرار می نمایند. و در بارگشت رشید نوروزی را گرفته چنان او را اذیت و کتک کاری

از مطبوعات متعهد پشتیبانی کنیم!

آنچه در روز ۲۱ اردیبهشت در رابطه با اطلاعیه " دفتر امام " برای مطبوعات پیش آمد چیزی نبود جز اقدامات تجاوزات مکرر قبلی به حرم آزادی، که بارها از جانب تمام نیروهای دمکرات و خدا میپرست نیست به خطرات و عواقب آن تذکر و هشدار داده شده بود. هر مبارز مدیعی که در شرایط کنونی، خطر توطئه های امپریالیسم و ارتجاع و اهمیت چگونگی تشکیل مجلس مؤسسان و تدوین قانون اساسی و ... را درک کند، بخوشی بمقام و نقشی مطبوعات متعهد، در روشن سازی افکار عمومی و توفیق بررسی مسائل حیاتی توده ها آگاه است. در چنین شرایطی بوجود آوردن زمینه هایی که منجر به تحطیل مطبوعات متعهد نظیر ایندگان گردیده تنها در خدمت منافع خلق قرار نمیگیرد، بلکه دستاویز مناسبات استبدادست و همچنین بداندیشان و توطئه گران که میکوشند با سوء استفاده از چنین موقعیتهایی و با تکیه بر ناکامی های توده ها فرسایش اصلی خود را بر پیگیر دمکراسی مردمی فرود آورند. بسی دلیل نیست که بلافاصله پس از اطلاعیه " دفتر امام " که در آنستادست و بطور غیر منطقی ترجمیک مقاله را وسیله بهانه جوشی قرار داده است آنچنان شرایط خلقان را عاری بی برای روزنامه های متعهد و نویسندگان مسئول آن بوجود میاید که در آن ادامه کار برای آنان عملا ناممکن میگردد. ما ضمن محکوم نمودن چنین تجاوزی به حرم آزادی و دمکراسی که با خون توده های ستم دیده مساوی است و مبارزات پیگیر آنان بدست آمده است اعلام میکنیم که بوجود آمدن چنین شرایطی رنگ خطرناکیست برای تمام کسان که نسبت به آزادی و استقلال میهن داری میوزانند و قبل از همه وظیفه نیروهای دمکرات و دم امپریالیست است که در مقابله با چنین وضعیتی از محادیت پیگیرانه، غافل نگردند.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۸ / ۲ / ۲۲

جداشی و تجزیه طلبی را می طلبد. نغمه شراشی هائی " میهن پرستانه " را می آید از جهت جدا ساختن توده های این مناطق از تمامی خلقهای ایران و فاسد ساختن آنها با ایده های ناسیونالیستی میباید و مالا در خدمت تضعیف و برانگیز ساختن پرولتاریا و صفوف متحد خلقها و نفوذ عناصر ارتجاعی و عمال امپریالیسم قرار میگردد. از اینرو میبایستی با بورژوازی تحت ستم بطرز دقیقی رفتار نمود، طوریکه اولاز او بعنوان یک نیروی کسلا نا پیگیر برای رشد جنبش های ملی استفاده کرد در عین اینکه مداوما سازشکاری، ناپیگیری، خطرسختش به خلقها و اقدامش در جهت جدا ساختن آنها از هم دیگر را افشا و طرد نمود.

ادامه دارد

سرمزین خویش را بصورت یک واحد " اقتصادی و فرهنگی " زنده و همگونی مبدل سازند. و بدین ترتیب آنگر رشید همه جانبه ایران را سرپرست ساخته، اتحاد خلق نا پذیر خلقها را ممکن گردانند.

آری، اندیشه کسب سود و غارت مردم نمی گذارد بورژوازی این بدیهیات را بفهمد و او را در تار و پود ناسیونالیسم تنگ نظرانه و ارتجاعی و سمبانت محبوس ثروتمندی، به بند کشیده است.

اما بورژوازی با این کار خود فقط بخودش نیست که خیانت میکند بلکه با اشاعه اندیشه های ثروتمندی در قالب " نجات میهن " و " نجات انقلاب " بخیا ننت خود دامنه وسیعتری بخشیده، توده ها را نیز فاسد میگردد. او با این کار خود خلقهای ایران را از هم جدا کرده، در مقابل هم قرار میدهد. او به توده های مردم چنین تلقین میکند که گویا خلقهایی که برای تامین حقوق ملی خود مبارزه میکنند، آلت دست اجنبی هستند و میخواهند ایران را دچار تحزبه و انقلاب و مواجه با شکست گردانند و بدین ترتیب تخم کین و نفرت را نسبت به ملیتها و صن برشور - جوشی و عفت طلبی را در میان توده های فارس میبافند. او خلقها را به جنگ برادر کشی می کشاند که بجای کمک به نابودی کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم، ممکن موف مردم را برانگیزد ساخته و از پیروزی قطعی و کامل انقلاب جلو میگردد.

ما تمامی این توده ها را در سیاستها و عملکردهای دولت در طی دوران پس از سرنگونی رژیم مزدور سلطنتی شاهد بوده ایم. بورژوازی لیبرال همواره در برابر جنبشهای ملی سکوت اختیار کرده و خواسته است آنها را انکار و با حتی تخطئه نماید. و خود مختاری محدودی هم که بورژوازی لیبرال بدان تن داده است تنها در نتیجه فشار توده ها و اوج بی سابقه جنبشهای ملی بوده است.

افتخار و یکره ستم

در این میان روش و عمل خرده بورژوازی که نقشی عمده ای در سیستم حکومتی دارد در اساس و در سرفطیهای مهم آن بطور کامل متعلق بر سیاستهای بورژوازی لیبرال و در تائید و پشتیبانی قاطع از آن بوده است. امروزه شامی تلاشهای رهبران خرده بورژوازی صرف توجیه و تائید سیاستهای ثروتمندی دولت و دعوت مردم به پشتیبانی از آن گردیده است. اگرچه خرده بورژوازی به علت تفاوت مواقع طبقاتی و شایلات با بورژوازی لیبرال در زمینه های مختلفی موشگرمیهای ایدئولوژیکی انجام میدهد ولی در این مورد خاص به علت پندار با فنی که نسبت به جنبش طبقات و دولت در جامعه و ماهیت دوگانه و سازش طبقه نش، از طرف دیگر، درست بجای پای بورژوازی لیبرال میگردد.

۲-۲- بورژوازی میبایستی تحت ستم

بورژوازی ملیتهای تحت ستم به علت عقب ماندگی اقتصادی این مناطق عمدتاً بصورت بورژوازی تجاری (خرده - بورژوازی مرفه) عرض اندام میکند. این بورژوازی برای رشد و ترقی خود احتیاج به بازار داخلی دارد و میخواهد سیاستهای ثروتمندی سابق که هرگونه امکان رشدی را از آنها سلب نموده، و اقداماتشان را در جهت رشد آزاد سرمایه ملی با شکست روبرو میساخت از بین ببرند. (a) و برای رسیدن چنین هدفی مجبور است از یکسو در مقابل رژیم و نیروهای سرکوبگرش قرار گیرد که در حال حاضر تحت فشار توده ها تا حدی منافعش را تا مبن می نماید و از سوی دیگر در مقابل فئودالها قرار میگردد که بشا به منافع طبقاتیشان میخواهند اوضاع را به روال سابق خود حفظ نمایند. برای انجام چنین کاری او ناچار است به نیروی لیبرال توده ها که در این مناطق اکثریت دهقانان تشکیل میشود، رو می آورد. اما ترس بورژوازی از توده ها از یک طرف و عدم توانایش در مبارزه با بورژوازی حاکم، از او را بدین امر متزلزل و نا پیگیر میسازد. از اینرو بورژوازی در معاف ملی خود در صورت ضعف نیروهای دمکرات و پیگیر، با بدامان فئودالها و عناصر ارتجاعی افتاده، در مقام آنها قرار خواهد گرفت و باینکه بر سر میز سازش و مصالحه با بورژوازی حاکم برای تقسیم بازار و تقابله وضع موجود خواهد نشست. بورژوازی راسر - نوشتی جز این نیست. از طرفی باید توجه داشته باشیم که ناسیونالیسم بورژوازی تحت ستم، تنها در جهت ایجاد بازار داخلی و مستقل در چهارچوب حدود مرزهای ملی می باشد و بدین جهت خود مختاری بورژوازی در اساس خود

(b) - از اینرو او در اصل خواهان خود مختاری، منتها با استثنای بورژوازی است.

[illegible]

«جهبه خلق برای آزادی همان» تنه‌پر داد + دشمن بنظر ر
بازرزه با انقلاب و سرکوب آن از یکطرف + هسانخور که اشاره
کردیم + به یک سری اقدامات اصلاح طلبانه است و دست زد و
از لحاظ سیاسی و تبلیغاتی هم بنظر که شیوه همه مترجمین
است کهشید با مارک کمونیست بودن یی خدا بودن + مردم
و بهیچر و ناگاه + را نسبت به اهداف انقلابیون بدگان نمایند و
از طرف دیگر تهاجم نظامی است علیه نهادهای انقلاب بهیژه و
از منطقه دیگری همان (ظان) آغاز کرد +

در این بهاج نظامی که بتدریج گسترده تر و حیثانه تر گردید غیر از ارتش استعماری انگلیس، در دوران ارتش نابوس، ارتش شاه خاکن و نیز گردانهای ارتش ضد خلقی اردن نیز شرکت داشتند. سهم ارتش شاه در این میان از باقیه رانین بود. شاه در بهار چوب باستراژی آسپاکی یکسون نقش ایفا نمود. «ایلیامس در خلیج و منطقه را بدهد» ارتش شاه بدهد. ارتش شاه از افراد ارتش ایران (از نیروهای هواپی، دریایی و زمینی) به معان (طافار) گسیل شدند تا در قسقل و کشتار و بربادی بر خلق ایران، سهم هم را ایفا کنند و ارتش شاه ابتدا بخینه و سر سودا و بدهد و سر برداشت بلکه در آنسوی خلیج نیرو بدهد کرد و بدهد پس با همکار ایلیامس به کشتار خلقی پرداخت که جزا از دی خود از سر استعمار و عقب انداختن، رفقت و حیویتی، چیزی دیگر نمیخواست. روستاهای بی پناه زمکشان عمانی و زنان و کودکان آنها در زیر بهای ناچار ارتش شاه مستمند و کشتارها به آتش کشیده شد حتی دامها و چهارپایان نیز برباهان شدند. آنچه از ارتش شاه از راه داریاباگهای افغانستان بعمان می برتوب. می بکنند حتی روستاهای مرزی ایران و مراکز آنها نیز در دامن و خلق میزبان نیز در دامن می باشند که شاه و روستاهای میزبان را بجا بجا برباهار و بر فراز خاک بین مراکز و روستاهای اگشتان انجام دادند تا انقلابیون عمانی و رژیم مردمی بین که پشتیبان این است به تسلیم واردند اما با مقاومت برخاسته بربازین عمانی ویش به هدفهای خود نرسیدند. ارتش شاه از سال ۱۳۵۴ و بعد از حمله وسیع و حیثانه پانیز ۴۰۰ هزار نفر از حمله دامن دامن و چه چنانجا که نکرد.

اینکه اینهمه جنایات ارتش شاه از سوی چه نیروهای بطور مداوم ارتش و حکم شده و از سوی چه نیروهای بازم مدام بهکوت (راهپای آژیا) برگزار شده است اخبار توضیح ندارند. انقلابیون ایران با مشارکت عمل خود (هرچند سمبولیک) برادری خلقهای ایران و عمان را ثابت کردند و در آنجا شهید دادند و در نقطه قابل، مترجمین هنرمند هم مواضع گرفته شان را نفی کردند. درد آبراست که هم پس از سقوط شاه، پس از روی کار آمدن به اصطلاح دولت موقت انقلابی همچنان نسبت مبارزه با دلا مان به این خلقهای ایران، نه تنها بی اعتنایی میشود، بلکه دادها ضد انقلابی که شده باجین، مومکهای موم ناپید را برگیرند. برای ورود و

در ادامه مبارزه چه در پهنه سیاسی و چه نظامی جبهه -
مؤثرتر تکامل پیدا کرد و تیرد انقلابی خلق قفق و گسترش ریز -
افزونی یافت بطوریکه هدفهای جبهه در مبارزه با حاکمیت
استعماری و استبداد از چارچوب ایجاد تئوریک و عملی شخصیت‌ری
بود گرفت و نیروهای بیشتری را بسوی خود جذب کرد
و مبارزه مسلحانه هم از چارچوب منطقه گروستانی طفا ر
خارج شده به شهرهای داخلی عان رسید - در آنزمان
هدفهای اساسی جبهه در مبارزه با استعمار انگلیس در
مناطق خلیج عبارت بود از : مبارزه با حاکمیت مست
-نشاندگان استعمار انگلیس ، مبارزه با فقر و محرومیت کم -
تظلمیر مردم ، مبارزه با جهل و عقب ماندگی ، مبارزه در آ
وحدت ارضی عان که در آفتابان (وخنزم) در زیر سلطه
روای قبایل و شیخ و ستم نشاندان دچار تفرقه و تجزیه
بود ، و مبارزه در آرض خلق عان از درایت عقب ماندگی
فاحش اقتصاد (بعنوان نمونه در برخی مناطق (مثلاً
جنوب) سیستم با لیل فئودالی شکل سلطه سیستم اقتصادی
مردم عان تنها یک دودرسه ابتدائی داشت که آنهم
ویژه فرزندان شیخ قبایل و باسکنان به استعمارگران انگلیس
و از بهداشت هیچ خبری نبود - حاکم عان که در آن
و ازاح سلطان سعید بن شیخ نورمان داشت حتی بپویندن گلشن
روستای سرور در آن منطقه و ستم گردی و ستم جوامع ای
در زیر بار تفرقه و عقب ماندگی و ستم استعماری مگید و نگید
بوده و ثروت های طبیعی آن بخرات رفته بود خلق بپا خاست
و شد به خلقی با ابتدائی ترین وسائل به جنگ دشمنان کار
کننده و تادندان مسلم خویش رفت .

[illegible]

مازوه رهاى بخش خلقهاى ايران با مبارزات آزادپوخوا -
هاى نه وعادالته ديگر خلقهاى منطقه ، منجمله خلق مسلمان -
دارى يپوندى ناکستى است . سالهاست که همگى با -
هم يراى واحدى را پيرامين جهاني و اجتماعى است در
مال دول همتي و خلقهاى ما در ايران وهماى از دست
دشمنان مشترک خود هرايت جانگهاى را تحمل کرده اند ونيز
هرايت دردناک و تهمين کننده اى را بدانان کرده اوردند .
برجسته ترين نيروى انقلابى ورژنده اى که در آستوى
فيلجى در دستنهيى جنبش شريف شيه جزيره عربى -
کواست که با امپرياليسم و ارتجاع جزيره جوقيريهان
همان است . رهبرى مبارزات دشوار و دلايمانه اين خلق را
جبهه جوقيريهان براى آزادى عمان بعهده دارد .

خلق زحمتکش و ستيدنده عمان که سالهاى طولانى زير
پاى استعمار انگليس ارتجاع قرار دهى و انواغعب -
انديگهياى اقتصادى و سياسى و فرهنگى پراو تحمیل شده
بودند ، سرانجام در سال ۱۹۶۵ و پس از آنکه قياى
ورگراگنده و خود بخودى او بارها سرکوب شده بود ، با افکار
مبارزه سلحمانه سازبان بافته همت گاشت . نيروهاى انقلابى
همان که مشاهده کرده بودند استعمار انگليس هرايت توانسته
است منطقه هاى مبارزه جوقيريهان اين خلق را در اولين بروز
جولى خود خفته کند ، با استفاده از موقعيت مناسبى که در
سالهاى ۵۰ و در اولين سالهاى ۶۰ در جهان پراو رسيد
داشت و هم مبارزات دشوار استعماري از الجزيره مصر تا يمن
افرا گراگنده بود . مبارزات خلق خوش را بشکل ميگالترى
سازبان داده رازده سلحمانه در دنه رپوش ۱۹۶۵ را ،
روهاى نظامدار (منطقه جوقيريهان) آغاز کردند . اينک
روهاى اهل عمان انقلابى بدست شاهنشاه "جيش نايينيازىتهياى
عرب" که در افلق کندهاى عربى در اين سالها پهنه سوان
نرفتند مرتين پيدايى از پوخواه هاى عربى فعاليت داشت صورت
گرفت . در ابتداى دليل گراييهان تنگ نرظانهاى در عربى
نيز مبارزين اوليه وجود داشت "جبهه آزادپوخش قطفاى
ايد" که بدست ده سال بد پهاى ۱۹۶۸ با توجه به پيشش
که نسبت به ما مازوه رهاى بخش ، در منطقه خليج

نقشی که زندانیان در اداسگاری انقلاب در پیروزی انقلاب مطمح خلق های ما ایفا کردند و تاریخ چه ن فراموش نشدنی است. اما عزیزان ما اگران میدان نند که با و پایداری این قهرمانان هرگز از شکوه و جلال زینر دیگر نهرا میدند و رفیقان بند را که بسوی جوجه های اسدام ن میشدند با لبهای و اندام و پیمانیهای پلایا دین بنی بر اءه و در بفرقه کت و آنان برادران و رفیقان خوشی را بدند که زینر شکوه جلالان در سکت جان می سیرد آن اراده شان زلزلی پیش نیامد. آنان گنگاه آیه های س در پیدای واری و خیا تنها را از طرف برخی مستعصران ما بدیدند و باز هرگز در اصالت و بار مزایه بی امان ما به نهم در خست پیروزی نهایی خلق اندکی شک روا نداشتند. اینان ایان برای همیشه در دل دور ه نند و جاد است ن قاضی کن می تهرمان در پیروزیم و ایست پامیرا لیم در برابر دشمنهای ارتجاع و در راه پیروزی انقلاب از نشان دادن دلمواره گرایی اسفاسخور و بی صفت رها نیا، آیت السعید ه با بدع زادگانه ه ما این کت را حمد شایخوندی ه ه مجیدی و روبرای ه و خرموگر گسری و ... برای همیشه بر طراک اختراعات خلق های ما باز را سست و عزیزان را به افش ملت بازگردان ه ما آیه تأسی است و دهای زندان باز زیر سیرش دیگر کشوده و د ه ن ما اینان را مستعدیدگان را که حوشان راستی به چرکهای خلق است در صحرار حودت دارد. د ه های بر شعی قما گسرا ؟ تود ه به ایگونه اذات که بنا مقدس انقلاب را میگرد کشیدید! انهای دند و آنرا حکم می کنند. روزی شایخفر از ما بازان و کرات و ضد اهرالیست در چار خشت زندان با شند آفرود دشمن خلق و ضد انقلاب شاد است برای نکه روزگار سپاه دشت گزار کشود. برای آنکه دیگر زندانیان با سبب داشته باشیم به ما یازد و دگرداری و ضد اهرالیستی و ارتجاعی دور ه نند. پیروزی نهایی ادامه د ه م.

۲۱ اردیبهشت روز زندانیان سیاسی است. روزی بنام آن مردم تشنه که در سالهای زندان نیز دست از مبارزه می‌دارند. روزی بنام آن که در زندانیان تبارک و منصور و موت و ایمان و امید خود به سوی روشنایی بخت و صبح و آفتاب و باران دلخوش نقش بسته که در آن تشنه‌ها و ره‌های دانی کوکشان گشته شود که زندان بزرگی که ملتی را برای سرایست منهدم کرد. در روزی که ۲۱ اردیبهشت روزی بنام خورشید و روزی فرزندان خلق که سبیل هنر آهنگین دیدگان آن‌ها گریستن زنجیره‌ای ستم و نمونه‌ها و غلامان و زخمشان در برابر دشمن طاقیان بود *

زخم دست نشاندۀ پهلوی طی سالها حکومت تنگین خود بدست که با اسارت مبارزان را و بر امید و همت آنان زندان کرد که آنها را تسلیم می‌کرد و می‌رساند اما قیام اندرآه و با فقر برآب گشت که این حکم تاریخ بود. زندانیان با داخل خود به زندان آزادی که خارج از محاصره مبارزه نژادخوان و برقی می‌بخشدند. زندانیان در این سالهای دور خود به روحی که خلق آن‌ها جنر سندی بر حکومتی زخم برآورد و بر مبارزات تبدیل شده بودند. * روزی خواست زندان گورستان اندیشه‌ها و مبارزان دایره باشد که

زندان انقلاب تبدیل شد و در آن دوران دایره باشد که

زندانیان سیاسی ایران قیاس بر سرچشمه و تاریخ بازداشتی
 قیاس‌ها را دور ما دارا هستند ، آنان با ایران و امید و
 نمره ای خود با هر کسی جلادان دشمن را در صیحت و داشتند .
 نمره های سیاسی و روحی ، نمره های جنگ و امید و نمره
 م بازو این دیران کارگر نبود . در زندان آنجا که همه
 در محیط زندان را در خواستیم و مرگ تهدید میکرد
 متین و عاشقین تلاش برای دست یافتن به نور زندگی و برآ
 دساز و آوازی هر چه بیشتر برای ادامه نبرد به چشم
 نور . هر زندانی بازو و مقام خود شعلی بود که اندیشه
 را در احوال در خانه خویشان و درستان زند نگه داشت

گروه هم آبی جنبشهای باصطلاح اسلامی از مابری و اندونزی و
 ... و واقعا معلوم نشد سربازان یکجا شده و در آوازی
 و نوازندگی نزدیک یک ساعت نشاء میخوانید هستند - بعد در گرد و
 خاک و صاحبه" رادبولتزونی راه یافتند و اما عقب نشینی
 اجباری ارشاد ایشان از زمان علی بنیابینه" چند خطی آنهم
 بیرونی خالی نبود در عریضه و اطلاعات مردم برسد و از آنهمه
 فوجهای که طی چند سال بنام ایران عملی شده است و حتی
 یونانیها و از خلق همان خواسته بودند و از کسانیکه با اسم
 جنبشها بدو بداند و مواخذ و محاکمه بعمل نیاید میروند و
 آن جنبشها آشناسود حتی شنیده شده است که شخصی به
 نام سرتیپ آذری که در سال ۶۲ سرکند بوده و یکی از فرماندهان
 هان ارشدین رفتار بوده است هم اکنون یکی از فرماندهان
 انقلابی پادگان خم آباد است .
 آیا بدین نتیجه گذشت که آن جنبشها که علیه خلق قسم
 دید و برانجام داد و مردم تابت است ؟!

١٤١١ الهجيرة المشرقة في الإسكندرية



وېا مثال ديکړ:

برای سا زبانی مثل "امل" که در لبنان و در طول جنگ داخلی چند ساله، به شهادت هر کسی که از لبنان چیزی میداند، احسان نیاید و موضوعی که آن بیخ جوارز سوریه به لبنان و سرکوب مقاومت فلسطین (در ۱۳۵۰) معروف است، خاموش است. به دلایلی که نامعلوم نیست، هر روز سرور و تبلیغات سرباز و اقامت دروغ‌های غلط و هرات صورت می‌گیرد، اما با وین انقلاب سلحشانه "تودای منطقه" خاور میانه (پس از فلسطین)، یعنی انقلاب سلحشانه "خاک" مان از انستدر (پس از تویجی) برخوردار نیست. آیا این است که خواست تودای خلق است که تودای خلق و نیروهای انقلابی آن کارازتودای داخلی حالت کارگزاری، ارتش در زمان انقلاب را محکوم نموده‌اند، و خود را با انقلاب و انقلابیون این نظر زخم‌کش و قهرمان دارای پیوندی ارگانیک می‌انند و از خود می‌برسند و چرا؟ بر موضوع ریشه‌ای از انقلاب در رابطه با خلق تغییر چندانی با موضوع ریشه‌ای از انقلاب ندارد؟

انقلاب عمان که در سال ۵۹ در نتیجهٔ تهاجم وحشیانهٔ ضد انقلاب از منطقهٔ ظفار عقب نشینی کرد، برای مقابله با عسوا و رش سؤ ناشی از این صریات، چند در زمینهٔ تشکیلاتی و چند در زمینهٔ اجتماعی و تودهای، برنامهٔ خود سازی مرحله‌ای را تدوین نمود و فعالیت خود را زیر شعار:

«برای بازسازی مجدد خود از لحاظ فکری، سیاسی و نظامی وادامه جنگ انقلابی و مبارزه گسترده»

آغاز کرد.

درباره این دوره بازسازی که برای خود تحاربهرنمودهای گرانبهای داشت و نیز مواضع فکری، جنبه خلق برای آزادی مان، در شماره آینده، مترجم اسطعمای راه جلد هفدهم، و اگران جنبه خلق برای آزادی فلسطین، باید در کمال جنبه همان ترجمه داده، و خواهیم آورد. همچنین در فرضیه دیگری، دستاوردهای انقلاب عمان را در زمینه های سیاسی و اجتماعی، حقوق زنان، آموزش و بهداشت و... به سبب انقلابی فلسطین، فرمان خودمان خواهد رساند.

توطئه شوم تقسیم فلسطین از سوی اسرائیلیت و صهیونیستها را محکوم کنیم !

هم میهنان مبارز!

۲۵ اردیبهشت (۱۵ ماه مه) معادفای سی و یکمین سالگرد تقسیم فلسطین است . دراین روز در سال ۱۹۴۸ توطئه امپریالیستی شومی که علیه خلق قهرمان فلسطین ، بوسیله استعمارگران انگلیسی از سال ۱۹۱۷ تدارک دیده شده بود ، به مرحله اجرا درآمد .

ابوالیسعق غزنوی راهبانی که برای حفظ منافع یا گنگوانه خود یا گنگا و رادراپین منطقه جستجو میکرد، سرانجام با هندوستانی مهبوتیستهای نژادپرست و ارتجاعی محلی، زخم یا گنگا و رادراپین سرزمین عرب پدیدآورده و بهای یا گنگا و رادراپین سرزمین مدی خلیج فلسطین و کشتار و آواره کردن مدها هزارتن از مردم آن، در اولت یا گنگا و رادراپین توسعه طلبی و سرکشی را آورد.

بدین مناسبت و به منظور محکوم کردن توطئه‌های امپریالیسم جهانی که امروز نیز در فلسطین و دیگر کشورها می‌نظند، از جمله ایران، همچنان ادامه دارد، و به منظور آرازد همبستگی برادرانه خود با خلق قهرمان فلسطین و دیگر خلق‌ها، عرب، از کلیه کارگران، زمینکنان، نیروهای انقلابی، دموکرات و مترقی، دعوت می‌کنم که در ساعت ۴ بعد از ظهر روز شنبه ۲۵ اردیبهشت، در زمین چمن دانشگاه تهران اجتماع کرده و در راهپیمایی بسعت دفتر سازمان آزادیبخش فلسطین (غیااب فلسطین) شرکت نمایند.

مستحکم باد پیوند رزمنده خلقهای ایران و فلسطین

کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر

مبارزان راه طبقه کارگر - مبارزین آزادی خلق ایران - کارگران مبارز - اتحاد مبارزه در راه آزادی
طبقه کارگر- گروه نبرد برای رهایی طبقه کارگر - کمیته نبرد - پیوند اتحادیه کمونیستی ایران
(بخش داخل)- اتحادیه کمونیستی ایران - مبارزین آزادی طبقه کارگر - روزندگان آزادی طبقه کارگر
شما را بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

جلود رفت...

[illegible]

دولت لیبی از جمله دولتهای بسیار معدودی بودند مانند جمهوری دیمکراتیک خلق یمن که از مبارزات قهرمانانه خلقهای ایران در مقابل شاه پارتیزم سازد و از دیروز دفاع کرده بود. در سطح داخلی و در پهنه مجامع عربی و بین المللی با اتخاذ مواضع انقلابی، برای خلق ایران شناخته شد. پس، آنرا چگونه

دولتهای ارتجاعی و فاشیستی چون عراق و در جمیع عرسی
جنش ایران را يك جنبش واپسگرا و ارتجاعی معرفی نمودند و بر
پایه شخصیت الله خمینی بسیار تبلیغ میکردند، هر چند از دفاع از
انقلاب ایران بود.

بنابراین در دولت ملی (و نیز خلق ایران) انتظار داشت که این نهان‌گانه‌ها گشایش‌یافتن و استقبال از مقامات ایرانی می‌روشد، و با ظهور یک راه‌نوردی که چنین نهاد - اما می‌توانست که چسب

ایران با ملی و رابطه سیاسی برقرار کرد، بلکه هم اینست که

با عملکرد دولت در زمینه روابط خارجی فقط به برخورد اینگونه با

مشترکین - نیروهای ایران، اما باز و هر آنکه در

و توده‌های زحمتکشان در می‌تواند روابط گسسته

در می‌تواند دولت ایران را با ولایت‌های ارتجاعی تغییر بیابان

در قلمرو خارجی را در قلمرو با ملی و می‌تواند آمریکا

و عدم لغو قرارداد های خانمان براند از خاستگاه آنان ...

و اینگونه در استقبال از برقراری رابطه با ولایت‌های شرقی که

ایران با آنها رابطه ندارد و کوشش در استقامت و روابط خود با

ولایت‌های شرقی خواه و عدم پشتیبانی مای و معنوی مورد نظر

دولت‌های غربی که نسبت به جنبش‌های آزاد پیشرو - از سوی

مشاهده کرد و نسبت کم‌تر است - می‌تواند

سنگی که روی یونیستها بلند می کنند روی پای خودشان خواهد افتاد

چندی پیش نشریه "مردم" ارگان روبرویونستهای حزب توده، در شماره چهارم خود با لایحه سیاست فرصت طلبانه، خویش را در مقابل دولت و قدرت سیاسی حاکم و سیاست توطئه گرانه، خود را در مقابل جنبش کمونیستی عربان شوم و درهم آمیخته خبری جعلی در میان انبوهی از باطلات و جنگ تبلیغاتی که اگدا هاست از سوی همان دستگاه بین المللی که الهام بخش سیاست بازاری جون رهبران حزب توده است انتشار یافته، در کمال وقاحت مورد بهره برداری آنها قرار میگیرد. اتهام پلیدی که به سازمانها و گروهها و تمام کسانی که با مرزبندی با روبرویونستیم و سازش طبقاتی، جوهر انقلابی مارکسیسم - لنینیسم را محتوی فعالیت انقلاب - بسی خود قرار داده اند، هدف معینی را از سوی گردانندگان نشریه "مردم" دنبال میکند. رهبری ۲۸ ساله این حزب با اختراع واژه "مردم" و توطئه مبارزات ضد روبرویونستی که از سوی انقلابیون بزرگ مارکسیست - لنینیست و از جمله ما توشکست دین پیگیری شده است میکوشد تا با استفاده از اغیبار جعلی سازمانهای جاسوسی که در مراجع متکوکی چون "الکفاح العرشی" انتشار میابد، لیدر توطئه فدا گم - نیستی را زیر نظر نماید.

تفسیر فرصت طلبانه ای که گردانندگان نشریه "مردم" از اظهار نظرهای شخصیت های با نفوذ و با اعتباری چون آیت الله عینی می نمایند در واقع تاییدی است مجدد بر این واقعیت که این مؤسسه این الوقت فاقده هرگونه اصول و قاعده مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک میباشد.

کمونیستهای ایران با مرزبندی روشن و قاطع با روبرویونستیم معا روبا حرکت و تکیه بر منافع دراز مدت انقلاب توده های مردم شان داده اند که با دستجات دنیا لورو سردمداران وابسته ای چون رهبری حزب شوم و تفاق کلبی و ماهوی دارند. اتهام وابستگی و همکاری با سازمانهای جاسوسی زبینه آن کسانی است که با پشت نمودن به انقلاب و فعالیت های انقلابی در شرایط سخت رژیم ترور و اغتشا قیام لیدرانه روبرویونستهای بین المللی درس اطاعت و سربردگی آموختند. کارنامه افرادی چون کبانوری و بندولدار او در این میان از همه سیاه تر است. کمونیستها که نشریه "مردم" تحت عنوان اختراعی "ما توشکست" از آنها نام میبرد همان گونه که مدتهاست سیاست تاجا و زکارانه شوروی امپریالیستی را محکوم نموده اند سیاست های نوب روبرویون - نیستی هر کشور دیگری از جمله چین را محکوم نموده و گماکان بر علیه سازشکاری طبقاتی در سطح بیسن - المللی و مخدوش نمودن انقلاب ایران مقاومت می نمایند.

آیا گردانندگان مغرض حزب توده نیز شهادت چنین کاری را دارند؟ پاسخ سالیات که در تاریخ ثبت شده است. از تاشید باصطلاح "اعلامات" شاه گرفته تا تاشید فروش اسلحه روسی به رژیم ترور و اغتشا، واز مکتور در مقابل نفوذ ساواک در تشکیلات خود این حزب گرفته تا دعوت از عناصر بر اصطلاح "واقع بین" هات حاکم در یک جبهه واحد باصطلاح "فدیکتاتوری" و از خطبه قیام ۱۵ خرداد گرفته تا قیام اسفند ماه ۵۷ نیز به ... پاسخ منفی است. اما این تنها مانع نیستیم که تفاوت نهائی را خواهیم کرد، این توده های مردم و در راس آنها طبقه کارگر است که پاسخ نهائی را خواهند داد. تفسیرهای فرصت طلبانه از گفتارهای شخصیت های "سو" استفاده از جریانات فدا کاری و ضد کمونیستی در برانگشتن هر چه بیشتر اتهام علیه کمونیستها به هیزم بیاران آتش نفاق و شکاف در جنبش دمکراتیک و فدا میربالیستی کسب کنندائی نخواهد کرد.

ما من محکوم کردن اتهام واهی و مغرضانه گردانندگان نشریه براب تحریف "مردم" که به نیرو - های مارکسیست - لنینیست و از جمله "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" وارد شده است بیست کلیه نیروهای انقلابی و دمکرات و شرقی خواه در مقابل توطئه های که در پس چنین اتهامات و فرصت طلبی های چاپلوسانه نسبت به شخصیت های مختلف نهفته است هشدار میدهم و آنها را کوششهای مذموبانه ای بنظر ایجاد زمینه نفوذ و جای پای برای اربابان نشان میدادیم.

کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر

مبارزان راه طبقه کارگر - مبارزین آزادی خلق ایران - کارگران مبارز - اتحاد مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر - گروه نبرد برای رهایی طبقه کارگر - کمیته نبرد - پیوند - اتحادیه کمونیستهای ایران (بخش داخل) - اتحادیه کمونیستهای ایران - مبارزین آزادی طبقه کارگر - روزندگان آزادی طبقه کارگر - سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۸ / ۲ / ۱۲

حتی يك نام...؟!*

"شورای نامگذاری، غیابان میکند را به غیابان دهکده تغییر نام داد... آتندگان ۲۰ اردیبهشت"

انحمار طلب مرزی نمی شناسد. انحمار طلب از آنجا که کوتاه بین نیز هست، جز خودش چشم دیدن هیچکس را ندارد. همه و هر چیز را تنها به نام و به کام خود میخواهد. انحمار طلب منطق سرش نمیشود و از عقل بدور است و در یک کلام کور. انحمار طلب میکوشد مثل سیری نا پذیرش را در شما می عرضه ها جاری کند. انحمار طلب در عین حال ترسو هم هست و از هر آنچه ششائی از او ندارد و وحشت دارد. و چنین است که "غیابان میکند" که "غیابان فداشی" است، "غیابان دهکده" میشود. چرا که حتی نام فداشی بر ذهن کورش سنگینی دارد. اگر چه به دیوار غیابان کوچکی می باشد.



گرای با دفاطره ریتی شید
مصطفی آفریده
(موسی)

روز ۲۴ اردیبهشت ما معادفات با امروزها در رفیق شید متغلی. غاظره این رفیق را که در سیاه ترسین روزهای دیکتاتوری سیمانه شاه با در راه انقلاب خلق نهاد، و سخن با کشتنهای انقلاب دمکراتیک و فدا میربالیستی خلقهای با را آبیاری کرد، گرامی میداریم.

رفیق فارغ التحصیل انستیتو نقشه برداری شیریز بود. او فعالیت مبارزاتی خود را در شکل تشکیلاتی از سازمان معاهدین خلق ایران آغاز کرد. رفیق در آغاز بصورت سیمانه - تیزان سازمان از هرگونه کمک مالی و دیگر امکانات لازم بیهضمیگر. پس از مدتی فعالیت، رفیق بصورت کار در حرفه ای فعالیت مبارزاتی خود را ادامه داد. و بدین ترتیب تمام توان خود را در خدمت خلق گذاشت و بطور روز مراه بسیار در رنج و رنج کارگران آشنا میشد و در جهت تشکل و آگاهی دادن به کارگران تلاش میکرد. او با مهربانی و مصیبت خا می که داشت دوستان بسیاری در میان کارگران پیدا کرده بود که علاقه و افری بوی داشتند.

رفیق در روز ۲۴ اردیبهشت ماه ۵۶ در بر غورد غیابانی با عناصر مزدور اکبهای کمیته (با اصطلاح فدا ریکاری) دستگیر شد. رفیق هنگام دستگیری مسلح نبود و با احتمال زیاد در زیر شکنجه دشمن شهید شده است. "یادهمه" شهیدان راه آزادی و استقلال میهن مان گرامی بباد"

گرای با دفاطره شهیدای دانشگاه تیز

بسیار است بزرگان دانش امروز شهادت و نثر از دانشجویان دانشگاه شیریز. رفقای شهید، داود میرزائی و محمد فلاسی که در جریان انقلاب دمکراتیک و فدا میربالیستی خلقهای ما در روز ۱۸ اردیبهشت ماه ۵۷ به شهادت رسیدند مراسمی از طرف دانشجویان در محوطه دانشگاه برگزار شد. در این مراسم گروه زیادی از مردم مبارز شیریز شرکت داشتند. ما غاظره این شهید را که خون سرخشان نهال انقلاب را آبیاری کرد، گرامی میداریم.

امپریالیسم آمریکا بزرگترین خطر برای ایران

"امپریالیسم آمریکا بزرگترین خطر برای ایران محسوب میشود" این سخن آیت الله عینی است. این سخن شان باروز نامه لوموند، تاکید مجدد ایشان بر مبارزه با امپریالیسم آمریکا بمثابة "بزرگترین خطر" که ایران را تهدید میکند و هتدا را به مردم داخل بر منحرف نشدن از مبارزه با امپریالیسم، افکار گمانی است که نه آگاهانه و غاشانه میکوشد جهت فدا میربالیستی مبارزه خلق ما را منحرف کند و خود را با نشان از این انحراف هر روز نیروها بهره ببرند (اینکه دشمن اساسی خلق های ما امپریالیسم جهانوار آمریکاست موضوعی است که همه روزه از طرف نیروهای انقلابی و راستین مورد تاکید و بافتاری قرار میگیرد). و سلطانی، مزدوران امپریالیسم و پس مانده های ساواک و رژیم سابق باید بدانند

به یاد حمله میگرد. تبعیت از همین شناخت عینی است و بهمن جهت هم خلق ایران و نمایندگان و اقمین هرگز از امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیستهای انظار ندارند که سر لطف آمده، برای بهبود روابط ایران - آمریکا بزرگترین خطر که برای ایران و آزادی ایران است، و این را بردارد و تفسیر سیاست شده. "آقای بزدی، مگر جز اینست که سیاست امپریالیستی به هر شکلی که در آید، بهره حال یک سیاست امپریالیستی و تاجا و زکارانه است؟ پس شما چه انتظاری از امپریالیسم آمریکا دارید؟ تفسیر سیاست آن دارید؟" (تفسیر سیاسی که ما ذات آدمی سالیات بدنیالش بود و سرتاجام دیدیم که بکا کشید) و اما اینکه شما انتظار دارید که امپریالیسم آمریکا "قدم اول" را بردارد، بهیچ رو با اقدامات عملی شما نمی خواند. و انطور که همه تا کنون شاهد بوده اند، این وزارت امور خارجه ایران (که اکنون در رأس هتد) - این وزارت بوده است که نه "قدم اول" بلکه قدمهای بسیاری را بنوی آمریکا برداشته است. قدمهای که هر کدام خرابت جبران ناپذیری به شما می خلقهای مبارز و رنجیده ایران وارد میازد. قدمهایی چون لغو نکردن قرارداد های اسارت بار بین ایران و آمریکا، قدمهایی چون عدم افشای اسرار جاسوسی جنا پیکاران آمریکا شسی در ایران بر علیه خلقهای میهنمان و دیگر خلقهای منقلبه آمریکا و اسناد نکردن اسناد رشوه خواری اعفای کنگره آمریکا و اسناد رسواگری که در سفارت ایران د و آمریکا دست آمده و...

که توده های مبارز خلق ما، تسلیم توطئه های روزافزون و گوناگون آنان نخواهند شد، و تا جاسوس پرستان آنها و نفوذ اربابان امپریالیستها با بهره سیرمانه و فاطما - نه خود را بر علیه هرگونه ستم و وابستگی ادامه خواهند داد.

فخر ایران، امپریالیسم آمریکا و دکتریز

آقای دکتر بزدی، وزیر امور خارجه دولت موقت، در معا صهای با خبرنگار مجله آمریکائی تایم گفته است: "جنبش فدا میربالیستی که فعلا در تهران به چشم میخورد از بسیاری جهات عمدتاً ناشی از روابط صحنه و نزدیکی است که واشنگتن با اسرائیل دارد."

اما واقعیت چیست؟ واقعیت اینست که اولاً: جنبش فدا میربالیسم آمریکا (با بقول آقای بزدی جنبش فدا میربالیستی) تمام کشور ایران را در بر میگیرد و منحصر به تهران نمیشود. ثانیاً مبارزه خلق ما بر علیه امپریالیسم آمریکا نه صرفاً باطر همدردی و سرنوشته مشترکشان با خلق قهرمان فلسطین و در مقابله با صهیون - نیسم میباشد، بلکه از آن روست که توده های خلق در تمام زمینه های زندگی حضور شوم و باز دارند امپریالیسم و خصوما امپریالیسم آمریکا را لمس میکنند و فکرو عقلماندگی خود را بدستی در نفوذ آن در تمام شئون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی خود می بینند. و بهمن دلیل هم کمر هتد به بیرون راندن امپریالیسم از ایران بسته اند (سرگونی رژیم شاه غاش اولیسن قدم بود) و اگر هم به همدردی و حمایت از خلق قهرمان فلسطین می شناسد و صهیونسم و حامیان امپریالیست را